

گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران
(با تأکید بر تحلیل اجتماعی پیامدهای آن)

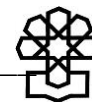
معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات اجتماعی

کد موضوعی: ۲۱۰
شماره مسلسل: ۱۵۳۱۶
اسفندماه ۱۳۹۵

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه و طرح مسئله
۵	گونه‌شناسی مدارس در ایران - توصیف وضع موجود
۶	۱. معیارهای گونه‌شناسی مدارس
۸	۲. دامنه و فراگیری مدارس گوناگون
۱۲	مبانی شکل‌گیری گونه‌های مختلف مدارس در ایران
۱۲	۱. مراجع و نهادهای تصمیم‌گیر
۱۴	۲. ملاک‌های تفکیک و تمایز (جداسازی مدارس) در ایران
۱۶	پیامدهای اجتماعی جداسازی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران
۱۶	۱. تحلیل اجتماعی تفکیک و تمایز مدارس براساس دوگانه دولتی - غیردولتی
۱۹	۲. تحلیل اجتماعی تفکیک و تمایز مدارس با تأکید بر دوگانه باهوش - کم‌هوش
۲۵	دیدگاه‌های مدیریتی درباره جداسازی مدارس در ایران
۲۵	۱. دیدگاه موافقان جداسازی مدارس
۲۶	۲. دیدگاه مخالفان جداسازی مدارس
۲۹	جمع‌بندی
۳۰	پیشنهاد
۳۱	منابع و مأخذ



گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران (با تأکید بر تحلیل اجتماعی پیامدهای آن)

چکیده

جامعه‌شناسان نهاد آموزش رسمی یک کشور را یکی از تأثیرگذارترین نهادها در ایجاد عدالت اجتماعی دانسته‌اند. مطالعات نشان می‌دهد، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تا حد زیادی تحت تأثیر سابقه آموزشی و نقطه شروع تحصیلی آنان است. در شرایطی که متغیرهایی چون پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده و میزان هوش و استعداد تحصیلی کودکان مبنای جداسازی آنان در مدارس قرار گیرد، در این صورت نهاد آموزش در جهت تقویت و تداوم نابرابری‌های اجتماعی (تبعیض) عمل کرده است.

در جامعه ما طی سه دهه اخیر، تکوین و تأسیس گونه‌های متعدد مدارس، با چنان سرعتی رخ داده که هنوز مجال کافی برای تأمل در مبانی، اهداف، الزامات، تفاوت‌ها و پیامدهای اجتماعی و آموزشی انواع مدارس برای بازیگران این عرصه فراهم نشده است. به طوری که در حال حاضر، تنوع مدارس در نظام آموزش و پرورش رسمی ایران، مدیران و مربیان، اولیا و حتی پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت را به کلی دچار سردرگمی کرده و علاوه بر آن «اصل رعایت عدالت آموزشی» را نیز زیر سؤال برده است.

هفت مرجع تصمیم‌گیری بالغ بر بیست گونه مدرسه را در چارچوب نظام آموزش و پرورش رسمی کشور پدید آورده‌اند. این مدارس را می‌توان بر پایه هفت مؤلفه از یکدیگر متمایز ساخت. این گزارش به تحلیل پیامدهای اجتماعی و آموزشی وجود دو گونه از مدارس با شرح و تفصیل بیشتری پرداخته است. دوگانه مدارس دولتی - غیردولتی و دوگانه مدارس کم‌هوش - باهوش با توجه به اهمیت و دامنه تأثیرگذاری‌شان، حجم بیشتری از مطالب را به خود اختصاص داده‌اند. اگر چه درباره سایر انواع مدارس نیز مطالب مختصری ارائه شده است. بدیهی است پرداختن به آثار و پیامدهای اجتماعی تمامی گونه‌های مدارس در یک گزارش، میسر نیست و در سری گزارش‌های بعدی با محوریت بحث «عدالت آموزشی»، دنبال خواهد شد.

مقدمه و طرح مسئله

آموزش و پرورش گسترده‌ترین حوزه ارتباط مردم و دولت است. آموزش از منظر سیاستگذاری اجتماعی کالایی عمومی است و دولت مکلف به تأمین آن است. این امر تا آن اندازه اهمیت دارد که پایه‌های مشروعیت دولت‌ها عمدتاً براساس میزان تحقق عدالت اجتماعی، که عدالت آموزشی یکی از

مهمترین ارکان آن است، مستحکم می‌شود. از این رو حکمرانی خوب، به موضوع آموزش عمومی و رایگان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق شهروندی در جامعه می‌نگرد. همه محققان و فعالان حوزه تعلیم و تربیت معتقدند که تعیین قیمت برای آموزش سبب از میان رفتن فرصت‌های برابر آموزشی می‌شود. بنابراین به دولت‌ها توصیه می‌کنند که از «کالایی شدن آموزش» به‌ویژه در سطح آموزش عمومی، پرهیز کنند. نگاه اقتصادی به امر آموزش، مبنایی برای تقویت و تداوم نابرابری‌های ناعادلانه در جامعه فراهم می‌کند. زیرا فرصت‌های نابرابر در مدرسه، به فرصت‌های نابرابر در دسترسی به آموزش عالی و سپس به فرصت‌های نابرابر در دسترسی به مشاغل منجر شده و نابرابری از نوع تبعیض را در نظام اجتماعی نهادینه می‌سازد. اما پرسش این است که مصادیق نابرابری آموزشی چیست؟ عدالت آموزشی چه معنایی دارد و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن چیست و چگونه محقق می‌شود؟ بی‌عدالتی در حوزه آموزش چه نشانه‌هایی دارد؟

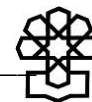
مطالعات نشان می‌دهد که عدالت آموزشی یا ایجاد برابری در نهاد آموزش، یا نقطه مقابل آن، نابرابری‌های آموزشی، سه بُعد دارد. نابرابری‌های جغرافیایی، نابرابری‌های جنسیتی و نابرابری‌های ناشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی، که هر سه عقب‌ماندگی تحصیلی را موجب می‌شوند. عقب‌ماندگی تحصیلی نیز به‌مثابه عقب‌ماندگی از کسب فرصت‌ها و مزایای اجتماعی است که به نوبه خود عدالت اجتماعی را به محاق می‌برد. بنابراین، عدالت آموزشی، مبنا و ستون اصلی عدالت اجتماعی است. اما پرسش آن است که عدالت آموزشی چه ابعادی دارد و مصادیق آن کدام است؟

معیارهای برابری آموزشی و طبقاتی نبودن مدارس را به‌طور کلی در موارد زیر برشمردند:

۱. همه مدارس به یک میزان پول صرف هر دانش‌آموز در پایه‌های تحصیلی مشابه نمایند.
۲. در همه مدارس تعداد ساعات درسی دانش‌آموزان هر پایه در هر روز برابر باشد.
۳. در همه مدارس تعداد روزهایی که دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند برابر باشد.
۴. مدارس از نظر اندازه و تجهیزات و امکانات در پایه‌های تحصیلی مشابه برابر باشد.
۵. در همه مدارس تعداد مواد درسی ارائه شده در هر پایه یکسان باشد.

با این پنج معیار، شرط لازم برای برابری آموزشی فراهم شده است ولی هنوز کافی نیست. چون کیفیت زندگی خانوادگی دانش‌آموزان و سابقه و سرمایه‌ای که آنها با خود به مدرسه می‌آورند یکسان نیست. بچه‌های طبقات فقیر با مهارت‌های کلامی پایین‌تر از حد متوسط و انگیزه کمتر و حمایت کمتر خانواده به مدرسه می‌آیند. در بحث جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، این اعتقاد وجود دارد که نهاد آموزش و پرورش عمومی یک کشور، یک نهاد برابر ساز است. در واقع نهاد آموزش عمومی، می‌تواند نابرابری‌هایی که در بیرون از نهاد آموزش وجود دارد، کاهش دهد.

بنابراین نظام آموزشی یک کشور باید در دو سطح تلاش کند، هم لازم است امکانات تحصیل را برای همه به‌صورت برابر و رایگان فراهم آورد. آن چنان که پنج محور پیش‌گفته محقق شود. هم



ازسوی دیگر باید کوشش کند که نابرابری‌های بیرون از نهاد مدرسه (پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها) در درون مدرسه کمرنگ شده و مبنای امتیازدهی به دانش‌آموزان قرار نگیرد. تا بدین‌وسیله نابرابری‌های ناعادلانه و تبعیض‌های بیرون از نظام آموزشی، اندکی تعدیل شود. نابرابری و تبعیض، پیش از ورود کودکان به مدرسه در نظام اجتماعی وجود دارد، اما در یک فرآیند حکمرانی عقلانی، کوشش می‌شود که با تساوی امکانات آموزشی، اندکی این شکافها تعدیل شود. ازاین‌رو متخصصان تعلیم و تربیت نه تنها بر وجود مدارس یکسان بلکه حتی بر وجود مدرسی تأکید دارند که به‌طور مساوی مؤثر و مفید بوده و عملکردهایشان تفاوت‌های نقطه شروع کودکان گروه‌های مختلف اجتماعی را برطرف سازد.

افراد با شرایط یکسان وارد نظام آموزشی نمی‌شوند، اما نظام آموزشی باید شرایط یکسان برای همه ایجاد کند و منجر به نابرابری و شکاف بیشتر نشود. اگر افراد ضعیف با کودکان با استعدادتر متمایز شوند، یا کودکان با توجه به میزان درآمد و منزلت اولیایشان به مدارس خاص راه یابند، در واقع نابرابری ناعادلانه در حوزه آموزش و پرورش، شکل گرفته است.

مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهایی از قبیل نوع مدرسه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، سرمایه فرهنگی خانواده دانش‌آموزان، بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند. مطالعاتی که درباره بازده مدارس مختلف صورت گرفته است نشان می‌دهد متغیر نوع مدرسه در نابرابری‌های آموزشی سهیم است. همچنین، تحقیقات نشان می‌دهند، سرمایه اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها در صورتی که مبنای انتخاب مدارس قرار گیرد، به بازتولید نابرابری‌های آموزشی می‌انجامد. بدیهی است خانواده‌هایی با درآمدهای بالا و سرمایه اقتصادی نیرومند، امکان می‌یابند تا فرزندانشان را در مدرسی با امکانات ویژه ثبت نام کنند. بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی نابرابر با کیفیت‌های نابرابر، مسیر تحصیلی و شغلی و به‌تبع آن پایگاه اجتماعی فرد را در آینده، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته شایان توجه آنکه هر نظام اجتماعی، قشرها و لایه‌های مختلف درآمدی و طبقاتی و فرهنگی، قومی و مذهبی را در خود جای می‌دهد، اما آیا این امر می‌تواند مبنای تنوع مدارس در نظام آموزشی به‌عنوان یک خرده‌نظام اجتماعی قرار گیرد؟ آیا نظام آموزشی یک کشور مجاز هست که بر پایه تنوعات قومی، مذهبی، درآمدی و جغرافیایی و حتی استعدادها و توانایی‌های فردی، مدارس گوناگون تأسیس کند؟ فلسفه وجودی پدیدآمدن مدارس گوناگون در آموزش و پرورش چیست؟ شرایط کشور ما چگونه است؟

آیا مدارس گوناگون در ایران کیفیت‌های آموزشی متفاوت دارند؟ آیا خدمات آموزشی گوناگون ارائه می‌دهند؟ آیا گوناگونی مدارس توجیه فرهنگی و تربیتی دارد؟ آیا گوناگونی مدارس توجیه اقتصادی دارد؟ الزامات ایجاد مدارس مختلف چیست؟ پیامدهای آن کدام است؟ آیا مدارس غیردولتی کیفیت آموزش مدارس دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ آیا جداسازی و تمایز مدارس در روند توسعه

آموزشی یک کشور اثربخش است؟ نتایج ایجاد چنین مدرسی در ایران چه بوده است؟ آیا ارزیابی واقع‌گرایانه‌ای تاکنون از ایجاد مدارس مختلف در ایران که طی سه دهه گذشته روبه‌فزونی هستند، صورت گرفته است؟ آیا ادامه این روند به نفع توسعه آموزشی در کشور است؟ آسیب‌های ادامه این روند چیست؟ آیا ایده جداسازی مدارس، متناسب با اهداف توسعه هست؟ کدام نوع از مدارس در ایران، اهداف آموزش و پرورش را بیشتر تحقق بخشیده‌اند؟ کدام یک، اهداف حکمرانی خوب را تحقق می‌بخشند؟ آیا مدارس گوناگون با فرآیندهای مختلف جامعه‌پذیری، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند؟ عدالت آموزشی در گرو توسعه گوناگونی مدارس است یا با یکسان‌سازی مدارس عینیت می‌یابد؟ جداسازی مدارس، ضرورت است یا اختیار؟ هزینه است یا فرصت؟ ایده جداسازی مدارس با کدام مبانی پذیرفتنی است و با کدام مبانی مردود است؟ جهت‌گیری نظام آموزش و پرورش کشور ما برای ایجاد عدالت آموزشی چگونه باید باشد؟

پرسش‌های فوق و بسیار بیشتر از این‌ها، همواره دغدغه متخصصان تعلیم و تربیت بوده و نیز ذهن سیاستگذاران و قانونگذاران را به‌خود معطوف کرده است. نمونه مهم این توجه و تأکید را در اصل سی‌ام قانون اساسی به‌عنوان یک سند میثاق ملی در کشور، می‌توان ملاحظه کرد که بر همگانی بودن و رایگان بودن آموزش برای همه افراد تأکید ورزیده است.

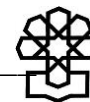
این گزارش با تأکید بر عدالت آموزشی از منظر جامعه‌شناسانه، به توصیف پیامدهای وجود مدارس گوناگون (تیپ) در آموزش و پرورش ایران، اختصاص یافته است.

لازم به شرح است که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، دانشی است که سازمان و نهاد آموزش و پرورش را در ابعاد مختلفی مورد بررسی و کالبدشکافی قرار می‌دهد. چهار محور عمده در قلمرو موضوعی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارتند از: فرآیند آموزش به‌عنوان جنبه‌ای از کنش متقابل اجتماعی - مدرسه به‌عنوان یک گروه اجتماعی - تأثیر سایر نهادهای اجتماعی بر نهاد آموزش و پرورش - کارکردهای نهاد آموزش و پرورش برای جامعه. از دو محور اخیر می‌توان در تبیین پدیده گوناگونی مدارس در ایران بهره برد. شناخت کارکردهای وجود مدارس گوناگون و چگونگی تأثیر نهادهای بیرون از مدرسه در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، محور بحث در این گزارش هستند.

انتقال فرهنگ - جامعه‌پذیری نسل‌ها - نظارت اجتماعی - ایجاد انسجام و تقویت یگانگی اجتماعی - جامعه‌پذیری سیاسی - پرورش سیاسی - نوآوری و تغییر و پرورش و رشد شخصیت، مهمترین کارکردهای آشکار نهاد آموزش عمومی در یک کشور است. از این‌رو می‌توان دریافت که ناکارآمدی نهاد آموزش می‌تواند قویاً تأثیر خود را بر تمامی نهادهای اجتماعی آشکار سازد.

با توجه به مطالب فوق، مفروضات اصلی این گزارش را می‌شود گزاره‌های زیر در نظر گرفت:

- نهاد آموزش در یک کشور می‌تواند نقش مؤثر در ایجاد عدالت اجتماعی داشته باشد.
- عدالت اجتماعی بدون رعایت عدالت آموزشی محقق نمی‌شود.



- عدالت آموزشی به معنای یکسان‌سازی فرصت‌ها و فضاها و تجهیزات آموزشی برای همه فراگیران است.
 - ایجاد فرصت‌های نابرابر بر پایه پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها یا بر پایه میزان هوش و استعداد فراگیران مصداق نابرابری آموزشی است.
 - ایجاد مدارس گوناگون به ایجاد فرصت‌های نابرابر در سطح آموزش عمومی می‌انجامد و این امر به نوبه خود، نابرابری در دسترسی به تحصیلات عالی و مشاغل پردرآمد را دامن خواهد زد.
 - تبعیض در توزیع مزایای اجتماعی (فرصت‌های تحصیلی و شغلی) بی‌عدالتی در نظام اجتماعی را تعمیق می‌کند.
- پیش از ارائه سیمایی از گوناگونی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران لازم است به دو پرسش بنیادین پاسخ درخور داده شود. نخستین پرسشی که برای خواننده پیش می‌آید این است که فهرست گونه‌های مدارس بر پایه چه ملاکی تنظیم شده است؟
- پرسش دوم آن است که آیا پوشش فراگیران و فراوانی مدارس در این نوع مدارس به اندازه‌ای هست که به مسئله‌شناسی در این حوزه بپردازیم؟ آیا موضوع گوناگونی مدارس در ایران را می‌توان در حد یک مسئله مطرح کرد یا دامنه و پوشش اندکی دارد و می‌توان از آن صرف‌نظر نمود؟
- در گزارش حاضر، ابتدا سیمای گونه‌های مدارس را نمایان ساخته و سپس به تحلیل اجتماعی آثار و پیامدهای وجود چنین مدرسی در نظام آموزش و پرورش ایران، خواهیم پرداخت.

گونه‌شناسی مدارس در ایران - توصیف وضع موجود

گوناگونی مدارس در ایران امری بی‌سابقه نیست. در ایران پیش از انقلاب نیز مدارس دولتی و مدارس ملی وجود داشتند. مدارس ملی در واقع مدارس خصوصی بودند که تأسیس‌کنندگان‌شان با کسب مجوز از آموزش و پرورش با منابع مالی مؤسسين اداره می‌شدند. البته محتوای دروس و کتب درسی به صورت متمرکز تهیه می‌شد اما در برنامه‌ها و شیوه‌های آموزش تا حدودی تفاوت وجود داشت. برای نمونه مدارس جعفری اسلامی وجود داشتند که برنامه‌های دینی در آنها با تأکید بیشتر دنبال می‌شد. علاوه بر این تقسیم‌بندی، مدارس بزرگسالان و مدارس استثنایی نیز فعالیت می‌کردند. نخستین دبستان تیزهوشان نیز در سال ۱۳۴۸ تأسیس شده بود. در همان دوران برخی از مدارس به دلیل بالا بودن کیفیت آموزشی و شاید هم فراوانی دانش‌آموزان مستعد در آنها، مدرسی با شهرت و اعتبار بیشتر بودند. دبیرستان البرز یا هدف از جمله این مدارس بودند. اما در عین حال، همه این مدارس

همچنان در چارچوب مدارس دولتی فعالیت می‌کردند. آموزش و پرورش پیش از انقلاب با چنین دسته‌بندی نسبتاً ساده‌ای اداره می‌شد.

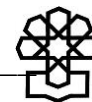
اما با توجه به آنکه مهمترین آرمان انقلاب اسلامی، ایجاد عدالت و برابری و عدم تبعیض در همه ارکان جامعه بود، تلاش شد که در همه عرصه‌های اجتماعی از جمله آموزش، نوعی برابری و عدالت ایجاد شود. از این رو در ماه‌های نخست، ایده دودستگی مدارس از حیث دولتی و شهری‌ای بودن، ازسوی عموم مردم، امری مذموم قلمداد می‌شد. اینکه عده‌ای به خاطر پول بیشتر و درآمد بالاتر از فضاها و خدمات آموزشی بهتری برخوردار شوند، ازسوی جامعه انقلابی پذیرفته نبود. آرمان بزرگ انقلاب، تحقق عدالت و برابری اجتماعی بود که در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش نیز باید انعکاس می‌یافت.

در وجدان عمومی جامعه، مدارس ملی (شهریه‌ای) نمادی از وجود تبعیض و نابرابری ناعادلانه قلمداد می‌شد. سایر انواع مدارس همچون مدارس بزرگسالان و مدارس استثنایی از آنجا که بر پایه ویژگی‌های انتسابی (سن و شرایط جسمی) شکل گرفته بودند، مقاومتی ازسوی جامعه بر نمی‌انگیختند. مدارس تیزهوشان نیز آنقدر پوشش ضعیفی داشت و نادر بود که حساسیتی ایجاد نکرد. اینک قریب چهار دهه از انقلاب سپری شده است. وضعیت پیش‌روی ما، حاکی از تنوع و گوناگونی مدارس بر پایه انواع ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی است. بیش از بیست نوع مدرسه در درون نظام آموزش و پرورش رسمی کشور قابل شناسایی هستند. تقسیم‌بندی‌ها از مرز تقسیم‌بندی‌های درآمدی و پایگاه اقتصادی خانواده‌ها فراتر رفته و به تقسیم‌بندی‌های منزلتی و تقسیم‌بندی بر پایه قدرت و تفاوت گروه‌های اجتماعی، نیز سرایت کرده است.

نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که مبنای این تقسیم‌بندی‌ها چیست و انواع مدارس موجود را از کجا تشخیص دهیم؟ فهرست عناوین مدارس گوناگون را بر چه اساسی تنظیم کنیم؟ چگونه به دست آوریم؟ پرسش دوم آن است که اساساً دلیل اهمیت مدارس گوناگون چیست و چرا باید به تحلیل جایگاه اجتماعی این مدارس توجه کنیم؟ در اینجا به شرح پاسخ این دو سؤال می‌پردازیم.

۱. معیارهای گونه‌شناسی مدارس

گونه‌های مدارس را بر چه مبنایی فهرست کنیم؟ در این باره ابتدا به اسناد و اطلاعات وزارت آموزش و پرورش رجوع کرده‌ایم. یازده تپ در سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش (سالنامه آماری ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴) تفکیک شده و آمارهای این یازده گونه تحت عنوان «آمارهای منتخب» درج شده‌اند که عبارتند از: مدارس شاهد - تیزهوشان - ایثارگران - وابسته به دستگاه‌ها - هیئت امنایی - نمونه دولتی - عشایری - شبانه‌روزی - مدارس خارج از کشور - بزرگسالان - مدارس قرآنی؛ علاوه بر اینها آمار مدارس غیردولتی - دولتی - استثنایی و مجتمع‌های آموزشی نیز به تفکیک آمده است. به این



ترتیب تعداد پانزده گونه مدرسه در این سالنامه‌ها قابل شناسایی است. همچنین در سالنامه‌های آماری، جدولی با عنوان درصد دانش‌آموزان «مدارس خاص» نسبت به کل دانش‌آموزان درج شده که در آن از ۹ گونه مدرسه نام برده شده است: عادی دولتی - غیردولتی - ایثارگران - تیزهوشان - شاهد - عشایری - نمونه دولتی - هیئت امنایی - وابسته به دستگاه‌ها. مدارس ورزش - هوشمند - آموزش از راه دور- مجتمع‌های تطبیقی در سالنامه‌ها تفکیک نشده‌اند و لذا آماری از این مدارس در سالنامه‌ها موجود نیست.

در فصل نهم سالنامه آماری سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ تحت عنوان «اطلاعات مدارس خاص و نهضت سوادآموزی» از این مدارس نام برده شده است: مدارس استثنایی - ایثارگران - شاهد - نمونه دولتی - عشایری - شبانه‌روزی - وابسته به مراکز - هیئت امنایی - استعدادهای درخشان - مدارس خارج از کشور - بزرگسالان - مدارس تخصصی قرآن. همچنین مدارس دولتی و غیردولتی نیز در کل آمارها تفکیک شده‌اند. به عبارت دیگر آمارهای چهارده نوع مدرسه در این مجموعه منعکس است. در اینجا نیز عناوین مدارس ورزش - تربیت‌بدنی و علوم ورزشی - هوشمند و ... غایب است.

علاوه بر سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش، مهمترین سندی که می‌تواند در شناسایی انواع مدارس مورد استفاده ما قرار گیرد عبارت است از، «مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ویژه مدارس». در این مجموعه، اساسنامه ۹ تیپ از مدارس موجود است: مدارس پیش‌دبستانی، مدارس ورزش، مدارس شبانه‌روزی، مدارس نمونه دولتی، دبیرستان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، مجتمع آموزشی تطبیقی، مدارس ایثارگران، مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی وابسته به دستگاه‌های دولتی و سایر نهادهای عمومی، دبیرستان‌های کاردانش رشته بهیاری (مصوب کمیسیون معین).

همچنین در بخش آیین‌نامه‌ها نیز این موارد قابل مشاهده هستند: اجازه تأسیس و راه‌اندازی مراکز آموزش از راه دور، آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه بزرگسالان، آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی فراگیر کودکان با نیازهای ویژه (استثنایی)، آیین‌نامه مجتمع‌های آموزش و پرورش، آیین‌نامه نحوه راه‌اندازی مدارس قرآنی، آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیئت امنایی. اگر این موارد را به موارد قبلی اضافه کنیم، پانزده نوع مدرسه در این مصوبات، قابل تشخیص است. مدارس عشایری، هوشمند ماندگار (شیوه‌نامه دارد)، دولتی و... از این فهرست غایب‌اند. همچنین مدارس غیرانتفاعی که با قانون مجلس ایجاد شده است به صورت یک تیپ جداگانه در این مصوبات، مطرح نشده است.

برای تهیه فهرست نسبتاً کاملی از تیپ‌های موجود مدارس، علاوه بر آنکه از دو منبع فوق (سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش) بهره گرفته‌ایم، سایر موارد موجود را نیز با اجماع نظر کارشناسان و مدیران این حوزه، اضافه نموده‌ایم. بدین ترتیب تعداد

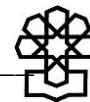
۲۳ گونه مدرسه شناسایی شدند که در جدول ۱ این گزارش، اطلاعات آنها درج شده است. در این فهرست، کلیه مدارسی که بر پایه قانون، اساسنامه، آیین‌نامه، مجوز و شیوه‌نامه ایجاد شده‌اند، نام برده شده است. اگرچه برخی از آنها در حال حاضر غیرفعالند اما برای تکمیل فهرست، در جدول نوشته شده‌اند.

۲. دامنه و فراگیری مدارس گوناگون

نکته دیگر این است که وقتی از گوناگونی مدارس در ایران می‌نویسیم باید متوجه باشیم که چه حد و دامنه‌ای از دانش‌آموزان یا چه تعداد از کل مدارس، مشمول مدرسی غیر از «مدارس عادی دولتی» هستند. لازم است که حجم و حیطه فراگیران و گستره افرادی که در این نوع مدارس فعالیت دارند، برآورد شود. در باب آموزش گیرندگان، همان‌گونه که اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد، حدود چهار میلیون از دانش‌آموزان کشور در این نوع مدارس مشغول به تحصیل می‌باشند. اگرچه اطلاعات سال جاری (۱۳۹۵-۱۳۹۶) به صورت دقیق و تفکیک شده از سوی نهاد مربوطه در اختیار ما قرار نگرفته است. با این وجود با فرض درگیر شدن چهار میلیون فراگیر در مدرسی غیر از مدارس «عادی دولتی» می‌توان اطمینان یافت که بحث درباره یک‌سوم از جمعیت دانش‌آموزی کشور، بحثی مهم و قابل تأمل است. بنابراین توجه به گوناگونی مدارس، امری بیش از یک امر تفننی و سرگرم‌کننده است. قریب یک‌سوم از دانش‌آموزان کشور در این نوع مدارس مشغول به تحصیل هستند. به عبارت دیگر حدود یک‌پنجم خانوارهای کشور در این نوع مدارس، ذینفع هستند. لذا هر تصمیمی که در این باره گرفته شود، چهار میلیون خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با این دو پیش‌فرض، کوشش کرده‌ایم تصویری از فهرست انواع مدارس موجود در نظام آموزش و پرورش ایران همراه با تعداد مدارس یا دانش‌آموزانی که در آنها اشتغال به تحصیل دارند در جدول ۱ منعکس نماییم.

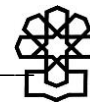
ضمناً توجه داشته باشیم که برخی از مدارس مندرج در جدول، در سال‌های پیش شکل گرفته و در یک محدوده زمانی فعالیت آنها رونق نیز داشته است اما امروز دیگر وجود خارجی ندارند، تبدیل وضعیت یافته‌اند و یا تعطیل شده‌اند (مدارس نمونه مردمی را می‌شود مثال زد).



جدول ۱. توصیف گونه‌های مدارس در آموزش و پرورش ایران (تجربه پس از انقلاب) (سال تحصیلی ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴)

ردیف	نوع مدرسه	سال تأسیس	مرجع شکل‌گیری	گروه هدف	برنامه آموزشی	منبع مالی / نحوه اداره مدرسه	تعداد مدرسه	تعداد دانش‌آموز	روند توسعه	ملاحظات
۱	عادی دولتی		قانون	عموم افراد لازم‌التعلیم کشور	عادی	دولتی	۸۷۶۸۵	۱۱۱۳۹۹۹۲	-	تعداد مدارس، بدون احتساب فنی و حرفه‌ای است
۲	شبانه‌روزی	۱۳۷۸	مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	روستاها و مناطق محروم	عادی / فنی و حرفه‌ای	دولتی - کمک‌های مردمی	۳۳۵۱	۴۰۴۱۸۹	-	واجد اطلاعات در سالنامه دارای اساسنامه
۳	هیئت‌امنایی	۱۳۸۸	"	عمومی	عادی - با ساعات فوق برنامه	دولتی و مشارکت مردم	۲۱۱۷	۶۶۴۸۵۴	افزایشی	فاقد اساسنامه و دارای اطلاعات در سالنامه
۴	عشایری	۱۳۸۹*	"	عشایر	عادی - با تغییر جزئی	دولتی	۵۸۵۷	۱۵۸۶۱۲	افزایشی	واجد اطلاعات در سالنامه
۵	نمونه دولتی	۱۳۶۵	سال ۱۳۹۰	مستعد در مناطق کمتر برخوردار - با آزمون ورودی	عادی - با ساعات فوق برنامه	دولتی	۱۵۸۵	۳۳۹۳۴۶	افزایشی	واجد اطلاعات در سالنامه و دارای اساسنامه
۶	شاهد	۱۳۶۹	"	فرزندان شهدا و ایثارگران	عادی - با ساعات فوق برنامه	دولتی و بنیاد شهید	۱۳۶۵	۳۸۲۱۹۸	افزایشی	فاقد اساسنامه وواجد اطلاعات در سالنامه
۷	ایثارگران	۱۳۶۹	"	رزمندگانی که حداقل سه ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه دارند - جانبازانی که میزان ده درصد یا بالاترند - آزادگان - پدران و مادران شهدا و مفقودالائرها	عادی -	دولتی	۵۷۶	۴۵۱۹۵	نوسان	واجد اطلاعات در سالنامه
۸	قرآنی	۱۳۷۷	وزیر وقت وزارت آموزش و پرورش ۹۱ شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	عمومی	عادی - حداکثر ۶ ساعت تدریس قرآنی	دولتی و مشارکت مردمی	۱۸۷۸	-	-	فاقد اساسنامه وواجد اطلاعات در سالنامه

ردیف	نوع مدرسه	سال تأسیس	مرجع شکل‌گیری	گروه هدف	برنامه آموزشی	منبع مالی / نحوه اداره مدرسه	تعداد مدرسه	تعداد دانش‌آموز	روند توسعه	ملاحظات
۹	غیردولتی (غیرانتفاعی)	۱۳۶۷	قانون مجلس	عمومی - خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی متوسط به بالا	عادی - با ساعات فوق برنامه	دولتی و شهری - کمک‌های نهادها - خیرین	۱۱۸۴۷	۱۳۰۰۷۸۴	افزایشی	فاقد اساسنامه دارای اطلاعات در سالنامه
۱۰	هوشمند	۱۳۸۳	مصوبه شورای فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	عمومی	عادی - با فعالیت‌های تولید محتوا	دولتی و مشارکت مردمی	-	-	-	فاقد اطلاعات در سالنامه‌های وزارتخانه
۱۱	تیزهوشان	۱۳۶۷	جواد اژه‌ای و وزیر وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وقت	عمومی - با آزمون ورودی	عادی و فوق برنامه	دولتی و مشارکت مردمی	۶۷۱	۱۴۶۸۹۸	افزایشی	فاقد اساسنامه واجد اطلاعات در سالنامه
۱۲	آموزش از راه دور	۱۳۷۵	شورای عالی انقلاب فرهنگی - آیین نامه اجازه تأسیس سال ۱۳۸۳ - اصلاح سال ۱۳۹۰ - شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	لازم‌التعلیم معلول و متأهل - شرایط سنی بالا - بازماندگان از تحصیل	عادی - با ساعات کمتر و جلسات رفع اشکال	دولتی و شهری‌ای	۱۷۰۳	۱۸۶۰۰۰	افزایشی	دارای آیین‌نامه فاقد اطلاعات در سالنامه
۱۳	مدارس و مراکز آموزشی وابسته به دستگاه‌ها	۱۳۸۸	مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	عمومی - وابسته به وزارتخانه‌ها و نهادهای عمومی	عادی - با محتوای درسی اضافه و مرتبط	مشارکت در سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی امکانات و فضا - وزارت آموزش و پرورش در تأمین بخشی از هزینه‌ها مشارکت می‌کند	۲۶۹	۲۱۸۵۲	افزایشی	دارای اساسنامه واجد اطلاعات در سالنامه
۱۴	مدارس ورزش	۱۳۸۴	مصوبه شورای عالی وزارت آموزش و پرورش براساس قانون برنامه چهارم	آزمون و تست سلامت	تخصصی ویژه ورزش	در انواع دولتی - غیرانتفاعی - وزارتخانه‌ها - هیئت امنایی	-	-	-	دارای اساسنامه فاقد اطلاعات در سالنامه
۱۵	مجتمع آموزشی تطبیقی		مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش	ویژه دانش‌آموزانی که از سایر کشورها منتقل شده‌اند	عادی و تطبیقی	-	-	-	-	دارای اساسنامه فاقد اطلاعات در سالنامه



ردیف	نوع مدرسه	سال تأسیس	مرجع شکل گیری	گروه هدف	برنامه آموزشی	منبع مالی / نحوه اداره مدرسه	تعداد مدرسه	تعداد دانش آموز	روند توسعه	ملاحظات
	مجتمع های آموزشی و پرورشی	۱۳۹۰	مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش	عمومی	عادی	-	۵۲۷۸۳	-	-	فاقد اسناد پشتیبان فاقد اطلاعات سالنامه
۱۶	مدارس ایرانی خارج از کشور			ویژه مأمورین خدمت و ایرانیان خارج از کشور	عادی	-	۳۴۶	۱۳۷۶۳	-	واجد اطلاعات در سالنامه
۱۷	مدارس بزرگسالان			ویژه فراگیران با سنین بالای هیجده سال	عادی - با برنامه سبک تر	دولتی - غیردولتی		۴۴۲۳۳۱	-	واجد اطلاعات در سالنامه فاقد اساسنامه
۱۸	مدارس استثنایی			ویژه فراگیران با ناتوانایی های مختلف ذهنی - جسمی و حرکتی	ویژه ناتوانی های ذهنی و جسمی	دولتی	۱۵۶۹	۷۲۶۱۲	-	واجد اطلاعات در سالنامه
۱۹	مدارس ماندگار			عمومی - با آزمون ورودی	عادی	دولتی و کمک های مردمی	--	-	-	فاقد اسناد پشتیبان فاقد اطلاعات در سالنامه
۲۰	دبیرستان های کار دانش رشته بهیاری	۱۳۶۹	مصوب کمیسیون معین شورای عالی وزارت آموزش و پرورش و تصویب اساسنامه در سال ۱۳۶۷ توسط شورای عالی وزارت آموزش و پرورش	شرایط جسمی و روانی - سپردن تعهد خدمت دو برابر سنوات تحصیلی	فنی و حرفه ای ویژه ارائه خدمات پرستاری	-	-	-	-	دارای اساسنامه اطلاعات ندارد.
۲۱	مدارس نمونه مردمی	-	-	-	-	-	-	-	-	غیرفعال
۲۲	مدرسه تعاونی		مجوز از وزارت تعاون و وزارت آموزش و پرورش	عمومی - از نوع غیرانتفاعی است	عادی - با ساعات فوق برنامه	غیرانتفاعی (شهریه)				مدرسه راه رشد - نوع غیرانتفاعی است
۲۳	مدرسه اقلیت ها			فرزندان ارامنه و سایر ...	عادی - با تعلیم ادیان	دولتی و مشارکت خانواده ها	-	-	-	فاقد اطلاعات در سالنامه فاقد اسناد پشتیبان
جمع کل دانش آموزان		مدارس عادی دولتی		۱۱,۱۳۹,۹۹۲	جمع کل دانش آموزان در مدارس غیر از مدارس عادی دولتی		۴,۱۲۹,۷۹۳			

* مدارس عشایری از پیش از انقلاب وجود داشته اند اما در این جدول بر پایه تاریخ اساسنامه شورای عالی آموزش و پرورش درج شده است.

اطلاعات جدول، دو نکته مهم را بر ما نمایان می‌سازد. نخست آنکه این مدارس توسط نهادها و مراجع مختلف شکل گرفته‌اند و دوم آنکه بنیاد شکل‌گیری این مدارس بر تمایزاتی استوار شده است که قابل تفکیک‌اند.

در ادامه، درباره نکته اول به صورت مختصر و درباره نکته دوم، به شرح و تفصیل بیشتری خواهیم نوشت.

مبانی شکل‌گیری گونه‌های مختلف مدارس در ایران

۱. مراجع و نهادهای تصمیم‌گیر

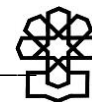
همان‌گونه که ذکر شد با نگاهی به جدول ۱ می‌توان دریافت که در ایجاد مدارس گوناگون (خاص) در ایران منابع و مراجع متعددی تصمیم‌گیری و مداخله داشته‌اند. جدول زیر مبانی متعدد تکوین مدارس را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مراجع حقوقی و نهادی شکل‌گیری گونه‌های مدارس در ایران

ردیف	مبانی قانونی	مصادیق
۱	مجلس شورای اسلامی	مدارس غیرانتفاعی
۲	شورای عالی آموزش و پرورش	شبانه‌روزی - عشایری - هیئت امنایی - ورزش - شبانه‌روزی - نمونه دولتی - ایثارگران - مجتمع آموزشی تطبیقی - مدارس وابسته - دبیرستان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی - کاردانش بهیاری (دارای اساسنامه)
۳	شورای عالی انقلاب فرهنگی	آموزش از راه دور - شاهد و ایثارگر
۴	شورای عالی اداری	آموزش از راه دور
۵	شورای عالی فناوری اطلاعات و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	مدرسه هوشمند
۶	وزیر آموزش و پرورش (شخصیت‌های حقوقی)	مدارس قرآنی
۷	وزارت آموزش و پرورش	مدارس هوشمند

پرسش این بود که کدام مراجع قانونی یا کدام دستگاه‌ها یا نهادها مسئولیت جداسازی مدارس را به‌عهده دارند؟ به عبارت دیگر درباره اینکه چه نوع مدرسی، برای چه گروه‌هایی ایجاد شود، کدام نهادها یا مراجع حقوقی تصمیم‌گیری می‌کنند؟

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد، حداقل هفت مرجع، در ایجاد مدارس خاص در ایران نقش داشته‌اند (کاربرد کلمه خاص به این خاطر است که وزارت آموزش و پرورش در سالنامه‌های آماری



خود از این عنوان استفاده کرده است). علاوه بر اینکه شوراهای عالی یا مجلس در شکل‌گیری این مدارس تصمیم‌گیری کرده‌اند اما در یک مورد نیز به رأی و نظر اشخاص حقوقی و مقامات، مدارس خاص ایجاد شده‌اند که نمونه آن، مدرسه قرآنی است که مجوز ایجاد آن از سوی وزیر آموزش و پرورش وقت صادر شد.

اما چرا مراجع تصمیم‌گیر در این زمینه این قدر متعدد و متنوع هستند؟ در این باره قانون چه می‌گوید؟ از نزدیک یک قرن پیش که قانون شورای عالی معارف نوشته شد، صدور مجوز تأسیس مدرسه از وظایف مهم این شورا گردید. این شورا نزدیک به ۱۱۰ سال سابقه دارد و تاکنون شرح وظایف و تعداد یا ترکیب اعضا و مسئولیت‌هایش اندکی قبض و بسط یافته است اما همچنان تعیین و تحدید انواع مؤسسات آموزشی در حوزه تعلیمات عمومی کشور برعهده این شورا است. مطابق آخرین اصلاحات قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش که در مهرماه سال ۱۳۸۱ در مجلس تصویب شده است، پانزده وظیفه برعهده شورا نهاده شده است.

براساس ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش تصمیمات استراتژیک آموزش و پرورش از جمله ایجاد محدودیت در برخی رشته‌های تحصیلی در این شورا باید مطرح و تصویب شود. ماده (۶) این قانون، ۱۵ وظیفه برای شورا در نظر گرفته است. برخی از آنها که به بحث ما مربوط می‌شود چنین است: بررسی و تصویب اساسنامه هر نوع مؤسسه تعلیماتی جدید - بررسی و تصویب طرح‌های توسعه در مراحل و رشته‌های مختلف تحصیلی براساس احتیاجات نیروی انسانی و با توجه به امکانات کشور - تهیه و بررسی و تصویب طرح‌های لازم برای بسیج و مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش.

به این ترتیب، مطابق وظایف قانونی این نهاد، هر نوع تأسیس یا تشکیل مؤسسه جدید آموزشی در چارچوب نظام آموزش و پرورش کشور با مصوبه این شورا مشروعیت می‌یابد. درحالی که در همین ابتدای امر و پیش از آنکه به تحلیل پیامدهای اجتماعی و تربیتی گوناگونی مدارس پردازیم، این پرسش مطرح می‌شود که چرا مراجع تصمیم‌گیری در شکل‌گیری مدارس مختلف، متعدد بوده است؟ آیا مراجع و نهادهای متفرقه اجازه صدور مجوز یا فرمان تأسیس مدارس با کارکردهای گوناگون را داشته‌اند یا خیر؟

تشتت مراجع و نهادهای تصمیم‌گیر در ایجاد گونه‌های مدارس، یک مسئله قابل تأمل است. این امر می‌تواند امکان تحقق برنامه‌های آموزشی و تربیتی واحد و یکدست را محدود سازد. بدون شک هنگامی که مراجع مختلف، مدارس مختلف پدید آورند، اهداف و مسئولیت‌ها و حتی کارکردها و برنامه‌های متنوعی برای آنها تعریف خواهند کرد که این امر با نظام تعلیم و تربیت متحد و یکپارچه در یک کشور مغایر است. اگر چه در کشور ما کتب و منابع درسی به صورت متمرکز تدوین می‌شوند اما تنوع در برنامه‌ها و ساعات و شیوه‌های آموزشی، نتایج متفاوت به بار می‌آورد. این موضوع بسیار مهم

است اما هدف محوری این گزارش، شرح و تحلیل این مسئله نیست، اگر چه می‌توان یک گزارش مستقل به آن، اختصاص داد.

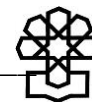
۲. ملاک‌های تفکیک و تمایز (جداسازی مدارس) در ایران

با تأمل بر جدول ۱ درمی‌یابیم که ۲۲ گونه مدرسه فعال در ایران را می‌توان بر پایه ملاک‌هایی از هم متمایز ساخت. این ملاک‌ها مبانی ارزشی متفاوت دارند و بر پایه‌های مختلفی شکل گرفته‌اند. در جدول زیر کوشش کرده‌ایم که مدارس مختلف موجود را بر پایه مبنای تفکیک و تمایزشان تقسیم‌بندی کنیم.

جدول ۳. ملاک‌های تفکیک و تمایز مدارس در ایران

ردیف	مبانی تفکیک و تمایز	نمونه‌ها
۱	منابع مالی	مدارس دولتی - غیردولتی (غیرانتفاعی) - مشارکتی (هیئت امنایی - تیزهوشان - ورزش - بزرگسالان - آموزش از راه دور - وابسته به دستگاه‌ها ...)
۲	ویژگی‌های فراگیران (سنی - هوش و استعداد - قدرت بدنی)	مدارس بزرگسالان - استثنایی - تیزهوشان - ورزش
۳	ویژگی‌های منطقه‌ای	مدارس عشایری - خارج از کشور
۴	امکانات و تجهیزات	مدارس هوشمند
۵	گروه‌های اجتماعی	مدارس شاهد - ایثارگران - وابسته به دستگاه‌ها
۶	محتوای آموزشی	مدارس قرآنی - معارف اسلامی - ورزش
۷	نحوه اداره	مدارس هیئت امنایی
۸	سایر	از راه دور - تطبیقی

در جدول فوق، بیش از هفت ملاک در جداسازی مدارس در محدوده نظام آموزش عمومی کشور قابل تشخیص هستند. ۲۲ نوع مدرسه را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد. تفکیک و تمایز براساس ویژگی‌های اکتسابی و تفکیک و تمایز بر پایه ویژگی‌های انتسابی. ویژگی‌های انتسابی، آنهایی هستند که فرد بدون آنکه خود نقشی در به‌وجود آمدن آن داشته باشد، واجد آن است. برای نمونه می‌توان گفت میزان هوش و استعداد یا قد و سن و شکل آدم‌ها، نابینایی و معلولیت‌های مادرزادی و غیره، آنی نیست که فرد در به‌دست آوردن آنها مداخله‌ای داشته باشد. در مقابل، ویژگی‌های اکتسابی، آن دسته از ویژگی‌ها هستند که فرد در به‌دست آوردن آنها مداخله دارد و نتیجه کنش‌های فردی است. ثروت، درآمد، پایگاه اجتماعی و فرهنگی از جمله ویژگی‌های اکتسابی است. برخی حتی تفاوت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی را نیز جزء ویژگی‌های انتسابی می‌دانند (در این‌باره تحلیل‌های



مستقلی وجود دارد که در اینجا مورد نظر ما نیست). به هر حال بر پایه این معیارها، انواع مدارس به وجود آمده‌اند و آثار متفاوتی بر نظام اجتماعی بار کرده‌اند.

باید توجه داشت در افکار عمومی جامعه، برخورداری از مزایا و فرصت‌های ویژه آموزشی، برای گروه‌های مختلف، واکنش‌های متفاوتی ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال در شرایطی که برخورداری از فضا و امکانات آموزشی بیشتر با صرف پول بیشتر (شهریه) که طبعاً به خانواده‌هایی با درآمدهای بالا تعلق دارد، نوعی تبعیض به حساب می‌آید، اما برخورداری از امکانات ویژه برای کودکان معلول یا نابینا احساس تبعیض یا بی‌عدالتی ایجاد نمی‌کند.

تفکیک و تمایز مدارس و فراگیران براساس ویژگی‌های انتسابی در آموزش و پرورش، شامل مدارس بزرگسالان - مدارس استعداد‌های درخشان و مدارس استثنایی است. در میان این سه دسته، متفاوت بودن آموزش در مدارس استثنایی و بزرگسالان از دید بسیاری از علمای تعلیم و تربیت و حتی در فرهنگ عمومی، امری روا و عادلانه تلقی می‌شود. اما در باب مدارس تیزهوشان، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که درباره آن بیشتر خواهیم نوشت.

تفکیک و تمایز بر پایه ویژگی‌های اکتسابی نیز شامل مدارس هیئت امنایی و مدارس قرآنی و مدارس ورزش و مدارس فرهنگ و مدارس شاهد و ایثارگر و نمونه دولتی است. همچنین مدرسی که واجد تجهیزات بیشتر و مدرن‌تری هستند همچون مدارس هوشمند بر پایه ویژگی‌های اکتسابی متمایز شده‌اند. این مدارس منابع مالی بیشتری جذب کرده‌اند و فرزندان خانواده‌هایی با پایگاه‌های اقتصادی بالاتر از سطح متوسط، در آن مشغول به تحصیل هستند اگرچه در این باره نیز باید اشاره کنیم مدرسی در مناطق محروم‌تر ایجاد شده‌اند که هوشمند تلقی می‌شوند اما تأمین مالی تجهیزات هوشمندسازی به جبر و به تحمیل، از اولیا دریافت شده است.

توجه داشته باشیم که برخی از گونه‌ها، بر پایه دو یا سه معیار تفکیک شده‌اند. برای نمونه مدارس ورزش، هم بر پایه محتوای آموزشی و هم به لحاظ ویژگی‌های فراگیران، تفکیک می‌شوند. همچنین، این مدارس در دو سطح دولتی و غیردولتی سازمان یافته‌اند. نمونه‌های دیگری هم وجود دارند همچون مدرسه‌ای که هم هوشمند است، هم قرآنی، هم غیرانتفاعی، یا مدرسی که هیئت امنایی، هوشمند و دولتی‌اند. بنابراین گاه چندین ملاک تفکیک و تمایز در یک مدرسه عمل می‌کند، که در این صورت وضعیت بسیار بغرنج‌تر و نحوه اداره چنین مدرسی، هم برای مدیران و مربیان و هم برای خانواده‌ها سردرگمی و ابهام پدید آورده است.

سرعت در ایجاد گونه‌های مختلف مدارس به اندازه‌ای است که پدیدآیی آنها بر مطالعه آثار و پیامدهایشان پیشی گرفته است. محافل دانشگاهی و تحقیقاتی تا می‌خواهند عملکردهای آموزشی و پیامدهای اجتماعی نوعی از مدارس را مطالعه کنند، نوع دیگری در گوشه دیگری از کشور به وجود

آمده و موج دیگری را در نظام تعلیم و تربیت ما به راه می‌اندازد. در این قسمت به نتایج برخی پژوهش‌ها در باب پیامدهای وجود مدارس مختلف در نظام آموزش و پرورش ایران اشاره می‌کنیم.

پیامدهای اجتماعی جداسازی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران

در سال‌های گذشته درباره آثار و پیامدهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی مدارس غیرانتفاعی، آموزش از راه دور، مدارس شاهد، مدارس استثنایی، مدارس تیزهوشان و مدارس دولتی عادی، تحقیقات و مطالعات بسیاری صورت گرفته است. هنوز مناقشه بر سر جایگاه و عملکرد این مدارس خاتمه نیافته است که مدارس ماندگار و هوشمند و قرآنی و مدارس ورزش پدید آمده‌اند. تنوع در ایجاد مدارس گوناگون، پروژه‌ای است که بی‌وقفه ادامه دارد. بدیهی است مطالعه آثار و پیامدهای آنها در نظام اجتماعی ایران نیازمند سپری شدن زمان کافی است. گونه‌های متعدد مدارس باید در آزمون زمان، امتحان خود را پس دهند. آثار و پیامدهای اجتماعی و تربیتی هر یک از آنها باید مورد ارزیابی قرار گیرد تا نهایتاً تصویر واقع‌گرایانه‌ای پیش‌روی سیاستگذاران و تصمیم‌گیران بخش آموزش و پرورش قرار دهد.

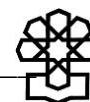
در اینجا کوشش می‌کنیم پیامدهای اجتماعی و آموزشی دو دسته از مدارس فوق را به تفصیل بیشتری ارائه دهیم. بدیهی است پرداختن به آثار و پیامدهای همه انواع مدارس پیش‌گفته، مستلزم تهیه گزارش‌های مستقل دیگری است که متعاقباً تنظیم خواهد شد.

در اینجا به تحلیل پیامدهای اجتماعی دوگانه مدارس دولتی - غیردولتی (غیرانتفاعی) و مدارس استعدادهای درخشان و عادی (کم‌هوش - باهوش)، با تمرکز بیشتری خواهیم پرداخت.

۱. تحلیل اجتماعی تفکیک و تمایز مدارس براساس دوگانه دولتی - غیردولتی

بیشترین مطالعات و بررسی‌ها پیرامون عملکرد مدارس غیرانتفاعی (غیردولتی) صورت گرفته است. در مورد آثار و پیامدهای اجتماعی این نوع مدارس به اعتبار وجود پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که در طی این سال‌ها تدوین شده، می‌توان تحلیل واقع‌گرایانه‌تری ارائه داد.

براساس آمارهای مرکز برنامه‌ریزی، منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ جمع کل دانش‌آموزان در سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم، بدون احتساب بزرگسالان و استثنایی و پیش‌دبستانی و مدارس خارج از کشور تعداد ۱۲۷۰۷۰۸۷ نفر بوده است. از این تعداد، ۱۳۵۵۲۲۷ دانش‌آموز در مدارس غیردولتی و تعداد ۱۱۳۵۱۸۶۰ نفر در مدارس دولتی مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد کل مدارس در این سال، ۱۰۵۹۶۸ بوده که از این تعداد،



۱۲۹۵۴ مدرسه غیردولتی و ۹۳۰۱۴ مدرسه دولتی بوده است. به عبارت دیگر ۱۲/۲۲ درصد مدارس کشور را مدارس غیردولتی تشکیل داده‌اند که ۱۰/۶۶ درصد دانش‌آموزان را پوشش می‌دهند. اگر چه سایر مدارس، یعنی مدارس دولتی نیز از مشارکت‌های مالی اولیای دانش‌آموزان بهره کمی نمی‌برند و مبالغ متفاوتی تحت عنوان کمک به مدرسه و همیاری و مشارکت و غیره از دانش‌آموزان طلب می‌کنند. با این وجود ده و نیم درصد از کل دانش‌آموزان کشور در مدارس غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند. یعنی از هر بیست دانش‌آموز سه نفر در مدارس غیردولتی‌اند. این میزان آنقدر قابل اهمیت هست که درباره پیامدهای اجتماعی وجود این نوع مدارس، تأمل نماییم.

ابتدا بهتر است روند رشد مدارس غیرانتفاعی را از نظر بگذرانیم تا بدانیم این نوع مدارس که مدارس شهری‌ای نیز نام گرفته‌اند، از بدو تأسیس تاکنون چه جایگاهی در آموزش عمومی کشور داشته‌اند. روند رشد مدارس غیرانتفاعی از سال تأسیس تاکنون در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه (لازم به توضیح است که دو سال اخیر به متوسطه یک و دو تبدیل وضعیت یافته است) بدون احتساب مدارس بزرگسالان و استثنایی و پیش‌دبستانی و مدارس خارج از کشور در جدول زیر نمایان است. لازم به توضیح است که در سالنامه‌های آماری وزارت آموزش و پرورش، تعداد دانش‌آموزان در همه سال‌ها درج نشده ولی اطلاعات تعداد مدارس غیرانتفاعی از سال ۱۳۶۹ تاکنون، موجود است. به همین جهت در جدول زیر اطلاعات فراوانی دانش‌آموزان قید نشده است.

جدول ۴. فراوانی و نرخ مدارس غیرانتفاعی در کل کشور

نسبت به کل مدارس کشور (درصد)	تعداد مدارس غیرانتفاعی در کل کشور	سال تحصیلی	نسبت به کل مدارس کشور (درصد)	تعداد مدارس غیرانتفاعی در کل کشور	سال تحصیلی
۶/۹۸	۸۰۰۱	۱۳۸۲ - ۱۳۸۳	۰/۲۵	۲۰۱	۱۳۶۹ - ۱۳۷۰
۷/۲۵	۸۲۲۹	۱۳۸۳ - ۱۳۸۴	۰/۶۱	۵۱۱	۱۳۷۰ - ۱۳۷۱
۷/۳۷	۸۴۰۱	۱۳۸۴ - ۱۳۸۵	۱/۲۵	۱۰۸۰	۱۳۷۱ - ۱۳۷۲
۷/۳۶	۸۳۳۴	۱۳۸۵ - ۱۳۸۶	۲/۴۸	۲۲۲۵	۱۳۷۲ - ۱۳۷۳
۷/۵۰	۸۲۷۴	۱۳۸۶ - ۱۳۸۷	۳/۸۴	۳۵۶۰	۱۳۷۳ - ۱۳۷۴
۷/۷۴	۸۱۷۹	۱۳۸۷ - ۱۳۸۸	۴/۹۳	۴۷۵۲	۱۳۷۴ - ۱۳۷۵
۹/۴۰	۹۳۷۵	۱۳۸۸ - ۱۳۸۹	۵/۸۵	۵۸۴۷	۱۳۷۵ - ۱۳۷۶
۸/۶۲	۸۶۴۸	۱۳۸۹ - ۱۳۹۰	۶/۱۸	۶۲۶۰	۱۳۷۶ - ۱۳۷۷
۹/۰۶	۸۸۶۷	۱۳۹۰ - ۱۳۹۱	۶/۹۸	۶۱۱۶	۱۳۷۷ - ۱۳۷۸
۹/۴۵	۹۱۵۴	۱۳۹۱ - ۱۳۹۲	۵/۸۸	۶۱۹۲	۱۳۷۸ - ۱۳۷۹
۱۱	۱۰۸۴۷	۱۳۹۲ - ۱۳۹۳	۵/۷۸	۶۴۳۴	۱۳۷۹ - ۱۳۸۰
۱۲/۲۲	۱۲۹۵۴	۱۳۹۳ - ۱۳۹۴	۵/۹۹	۶۷۳۸	۱۳۸۰ - ۱۳۸۱
			۶/۴۹	۷۳۸۶	۱۳۸۱ - ۱۳۸۲

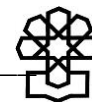
اطلاعات جدول نشان می‌دهد، تعداد مدارس غیرانتفاعی از بدو تأسیس تاکنون همواره افزایشی بوده است. به طوری که از بیست و پنج صدم درصد در سال ۱۳۶۹ (که در آن سال حدود چهارده و نیم میلیون دانش‌آموز داشته‌ایم) به ۱۲/۲۲ درصد در سال گذشته رسیده است. این روند پیوسته افزایشی تنها در دو مقطع کوتاه‌مدت، کاهش نشان می‌دهد. (سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ و دیگری در سال ۱۳۸۹). اینکه کدام عوامل موجب شده‌اند در این دو مقطع کوتاه، تقاضا برای ثبت‌نام در مدارس غیرانتفاعی کاهش یابد، امر قابل مطالعه‌ای است که در این گزارش، مورد بحث ما نیست.

اما در باب تأثیر اجتماعی وجود مدارس غیرانتفاعی و نیز تأثیر آموزشی و تربیتی این نوع مدارس، مطالعات موردی بسیاری در قالب رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌ها به‌ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت، انجام پذیرفته است. در اینجا به یافته‌های برخی از این مطالعات اشاره می‌کنیم.

- در باب وجود مدارس غیرانتفاعی، دو دیدگاه غیرهمسو وجود دارد. گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که گسترش مدارس غیرانتفاعی موجب افزایش کیفیت آموزشی و ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس عادی دولتی می‌شود. گروه دیگر برخلاف قبلی‌ها، معتقدند چنین گسترشی موجب کاهش کیفیت آموزشی و تنزل عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس عادی دولتی می‌شود. نتیجه یک مجموعه مطالعات موردی که طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷ انجام شده نشان داده است که از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در کاهش کیفیت آموزشی در مدارس دولتی، اعمال سیاست چندگونگی مدارس طی این ده سال بوده است. مطالعات نشان داده که تصور از خود و کنترل بر محیط بیش از هر متغیر دیگری واریانس پیشرفت تحصیلی را در مدارس تبیین می‌کنند. فرزندان فقرا انگیزه پیشرفت ضعیفی داشته و تصور از خود منفی دارند. تصور از خود منفی با نظریه برچسب‌زنی هم توضیح داده می‌شود. غیرمستعد بودن، تنبل، فقیر، کم‌درآمد و کم‌هوش بودن، «تصور از خود» دانش‌آموزان مدارس عادی دولتی را شکل می‌دهد. از این جهت گفته می‌شود که وجود مدارس غیرانتفاعی، موجب کاهش کیفیت در مدارس دولتی می‌شود. دانش‌آموزان مدارس عادی دولتی در اثر این برچسب‌ها که به تدریج به باور تبدیل می‌شود، احساس تبعیض می‌کنند. این امر موجب ایجاد نگرش منفی در آنان نسبت به مدرسه و کل نظام سیاسی و اجتماعی می‌شود.

- مطالعه دیگری در باب عملکرد مدارس غیرانتفاعی نشان می‌دهد، بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی از نظر پیشینه‌های تحصیلی، عملکرد تحصیلی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده تفاوت معناداری به نفع دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی وجود دارد. بین نوع مدرسه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد به گونه‌ای که دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی عملکرد تحصیلی بهتری دارند.

- مدارس غیرانتفاعی بر پایه نابرابری‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. این نوع مدارس، آرمان تساوی امکانات یا طبقاتی نبودن مدارس را زیر سؤال می‌برند. در واقع هر قدر پول کسی کمتر و یا مقام او



پایین تر باشد شانس کمتری در بهبود وضع خود از طریق آموزش و پرورش پیدا می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد کیفیت مدرسه (غیرانتفاعی بودن آن) سهم مؤثری در تبیین موفقیت تحصیلی نسبت به مدارس دولتی دارد. این درحالی است که باید کوشش کنیم از تأثیر عامل ثروت و مقام و موقعیت و جنسیت بر کیفیت آموزش و پرورش بکاهیم.

مخالفتان وجود مدارس غیرانتفاعی استدلال می‌کنند که مدارس غیرانتفاعی و به عبارت دیگر کالایی کردن آموزش، به برخی از طبقات اجتماعی به دلیل برخورداری از امکانات مالی این توانایی را می‌دهد که بر آموزش به عنوان یکی از مهمترین مزیت‌های اجتماعی مسلط شوند و آموزش با کیفیت را به انحصار در آورند. موضوعی که ناشی از پولی شدن و کالایی شدن آموزش عمومی و ضعف سیاستگذاری اجتماعی است. از آنجا که انتقال از آموزش عمومی به آموزش عالی از طریق کنکور میسر می‌شود، طبقات برخوردارتر امکان آموزش باکیفیت‌تر را داشته و رقابت منصفانه محدود می‌شود. از این رو امکان دسترسی به فرصت‌ها و مواهب در سطح آموزش عالی نیز محدود می‌شود. دسترسی به آموزش عالی به نوبه خود، دسترسی به فرصت‌های شغلی پردرآمدتر را فراهم می‌سازد. در این صورت ملاحظه می‌شود که دسترسی نابرابر از سطح آموزش عمومی و مدارس غیرانتفاعی (یا سایر مدارس متفاوت) آغاز شده و دانه‌های زنجیره شغلی و منزلت اجتماعی و زندگی فردی و خانوادگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یافته‌های مطالعات موردی در یک گزاره مشترکند و آن عبارت از این است که مدارس غیرانتفاعی، دسترسی نابرابر به فرصت‌های تحصیلات عالی را فراهم می‌نمایند و از این رو مغایر با اهداف کلان آموزش و پرورش‌اند که متضمن دسترسی برابر آحاد جامعه به امکان‌های آموزشی است. در نتیجه چنین نتیجه می‌گیرند که عدالت آموزشی با توسعه مدارس غیرانتفاعی سازگار نیست.

۲. تحلیل اجتماعی تفکیک و تمایز مدارس با تأکید بر دوگانه باهوش - کم‌هوش

جداسازی مدارس بر پایه ویژگی‌های انتسابی یعنی، سن - قدرت بدنی و میزان هوش و استعداد را در این بخش بررسی می‌کنیم. برخی معتقدند، تفکیک و جداسازی بر پایه میزان هوش و استعداد و قدرت بدنی و سنی، پذیرفتنی و حتی لازم است. دیدگاه مقابل نیز وجود دارد که معتقد است حتی تفاوت در هوش و استعداد و توانایی‌های یادگیری، قابلیت‌هایی هستند که پیش از تولد با مداخله شرایط اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌یابند. براساس این دیدگاه، تفاوت در توانایی‌های فردی همچون هوش و استعداد و قدرت بدنی متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی است که مادر، پیش از تولد نوزادش در آن شرایط زندگی می‌کند. نوع تغذیه، استراحت و آرامش روحی و روانی و احساس امنیتی که مادر دریافت می‌کند مستقیماً در نوزاد او تأثیر دارد. از این رو نابرابری‌های اجتماعی، حتی پیش از تولد، بر ما اثرگذارند. نابرابری، پیش از تولد بر افراد تحمیل می‌شود. بدون آنکه وارد مناقشات نظری بسیار پیچیده

در این باره شویم، بحث در این باره را با مفروض گرفتن توانایی‌های متفاوت ذهنی و هوشی و جسمی افراد، ادامه خواهیم داد.

تفکیک براساس سن فراگیران

متغیر سن، یک ویژگی کاملاً انتسابی است و فرد و جامعه در موقعیت آن هیچ نقشی ندارد. موجه‌ترین عامل جداسازی در اذهان عمومی همانا تفاوت‌های سنی است. جداسازی بزرگسالان از کودکان لازم‌التعلیم همیشه و همواره در نظام‌های آموزشی مورد قبول بوده و مخالفی نداشته است. از دیدگاه علمای علوم تربیتی، این ویژگی انتسابی، منطقی موجهی برای جداسازی دارد. مدارس بزرگسالان و افراد لازم‌التعلیم در تمام نظام‌های آموزشی متمایز است. دلایل اجتماعی، فرهنگی، زیستی بسیاری از این جداسازی حمایت می‌کند که شرح و بسط بیشتر این موضوع خارج از حوصله این گزارش است.

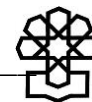
تفکیک براساس توانایی جسمی - ذهنی فراگیران

دانش‌آموز استثنایی در اسناد آموزش و پرورش این‌طور تعریف شده است: دانش‌آموزی که به دلیل تفاوت قابل ملاحظه جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی با افراد همسن خود، نیازمند ارائه خدمات آموزشی، پرورشی و توانبخشی ویژه باشد. این نوع دانش‌آموزان چند نوع هستند: دانش‌آموز با اختلالات رفتاری، با ناتوانایی‌های یادگیری، دانش‌آموز طیف اتیسم، معلول جسمی - حرکتی - چند معلولیتی، نیمه‌بینا. عموماً تمام کشورها به ضرورت آموزش و پرورش این کودکان، توجه دارند.

این نوع مدارس در نظام‌های آموزشی بیشتر به صورت دولتی اداره می‌شوند. چون هدف اصلی، حق آموزش و حمایت و توانبخشی این کودکان است. کودکان دارای نیازهای ویژه، دارای محدودیت‌های یادگیری، عاطفی، شخصی و اجتماعی هستند. بنابراین وجود نارسایی‌های بینایی و شنوایی و گویایی و مشکلات جسمی و حرکتی و ذهنی نیاز به فضا و آموزش‌های تخصصی‌تری دارد. به این دلیل بحث جداسازی و تشکیل مدارس و کلاس‌های ویژه را مطرح کرده‌اند. ایده جداسازی مدارس در این حوزه نیز قابل دفاع بوده و تقریباً می‌توان گفت که مخالفی در این باره وجود ندارد.

بنابراین، جداسازی مدارس بزرگسالان و کودکانی که معلول جسمی و حرکتی هستند، همواره توسط متخصصان تعلیم و تربیت و نیز در نظام‌های آموزشی، پشتیبانی شده است.

بحث را درباره شکل سوم مدارس یعنی درباره جداسازی مدارس بر پایه هوش و استعداد افراد ادامه می‌دهیم. ضمن آنکه به دلیل اهمیت این قسمت، کوشش می‌کنیم که با شرح و بسط بیشتری به «مدارس استعدادهای درخشان» بپردازیم.



تفکیک براساس هوش و استعداد فراگیران

نکته اول - توزیع نرمال هوش و استعداد در جهان نشان می‌دهد که از هر صد نفر کودک، بین دو تا پنج درصد آنها تیزهوش هستند و در هر هزار نفر، یک نفر فوق‌العاده تیزهوش یا نابغه محسوب می‌شود. حال سؤال این است که برنامه و فضای آموزشی افراد باهوش را باید از افراد معمولی جدا کرد یا خیر؟ در این باره دو دیدگاه وجود دارد برخی معتقدند که افراد باهوش نیاز به برنامه‌های آموزشی ویژه دارند و باید توجه خاص به آنها نمود. اما دیدگاه مقابل، آن است که اگرچه افراد باهوش می‌توانند مورد توجه ویژه قرار گیرند اما نظام آموزش و پرورش باید به صورت هوشمندانه و بدون ایجاد احساس تبعیض و تمایز میان افراد باهوش و کم‌هوش، برای این دسته از افراد، تدارک ببیند.

تجربه کشورها نشان می‌دهد که برای این گروه از دانش‌آموزان سه راهبرد به کار برده‌اند:

- روش غنی‌سازی، به این معنا که افراد مستعد در مدارس عادی نگهداری می‌شوند ولی در خارج از ساعات عادی مدارس آموزش‌های بیشتر و ویژه می‌بینند.
- روش تسریع یا جهش تحصیلی، به این معنا که با طی کردن دو کلاس در یک سال تحصیلی، پیشرفت می‌کنند.

- روش جداسازی، به این معنا که افراد مستعد در مدارس ویژه و جداگانه آموزش می‌بینند.

بسیاری از علمای تربیتی بر این عقیده‌اند که ایجاد شرایط نابرابر بر پایه میزان هوش و استعداد و ایجاد مدارس خاص برای افراد باهوش امر مطلوبی نیست. اگر چه تفاوت‌ها را نمی‌توان انکار کرد اما این تفاوت‌ها نباید به جداسازی فضایی منجر شده و ضعیف را ضعیف‌تر سازد. دانش‌آموزان کم‌استعداد و بااستعداد می‌توانند در کنار هم باشند و برنامه آموزشی یکسانی برای آنها ارائه شود. ضمن آنکه می‌توان برای افراد خیلی باهوش، فوق برنامه‌هایی ترتیب داد.

تجربه آموزش و پرورش ایران در مورد دانش‌آموزان باهوش تاکنون (پس از انقلاب) جداسازی فیزیکی این‌گونه افراد بوده است. جداسازی در سطح مدارس، طی سه دهه گذشته، نه تنها به اجرا درآمده بلکه تقویت نیز شده است. به طوری که فراوانی مدارس و دانش‌آموزان تیزهوش در کل کشور، رشد کمی قابل ملاحظه‌ای را نمایان می‌سازد.

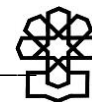
برای آنکه تحلیل دقیق‌تری درباره این مدارس ارائه دهیم بهتر است ابتدا به روند تحول مدارس استعدادهای درخشان در ایران نگاهی بیاندازیم.

جدول ۵. سیر تحول مدارس تیزهوشان در ایران

سال	عنوان مدرسه	تعداد مدارس	تعداد فراگیران	روند تغییرات نهادی
۱۳۴۸	دبستان هشدار	۱	۲۰ نفر	-
تا سال ۱۳۶۶	علامه حلی شهید اژه‌ای	۲	-	-
۱۳۶۷	"	۶	۱۲۳۴۰	تصویب اساسنامه «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» توسط هیئت امنایی با عضویت جواد اژه‌ای و وزیر آموزش و پرورش و وزیر علوم
۱۳۷۰	-	۵۰	۹۶۸۲	-
۱۳۷۹	-	۱۷۷	۲۷۰۹۰	واگذاری اختیار مدارس سمپاد به سازمان‌های استانی آموزش و پرورش به تصویب شورای عالی اداری
۱۳۸۱	-	۲۵۴	۳۶۵۰۴	-
۱۳۸۴	-	۱۹۷	+۳۵۰۰۰	-
۱۳۸۵	-	-	-	افتتاح مرکز ویژه استعدادهای درخشان عشایری در شیراز
۱۳۸۹	-	۴۸۸	۶۶۴۱۲	واگذاری آزمون ورودی مدارس استعدادهای درخشان به استان‌ها الغای هیئت امنای سمپاد توسط شورای عالی اداری جایگزینی شورای مشترک سیاستگذاری با دانش پژوهان جوان
۱۳۹۰	-	۵۷۸	-	ادغام آزمون ورودی سمپاد و نمونه دولتی و حذف آزمون هوش افزایش ظرفیت کلاس‌ها به ۳۰ نفر
۱۳۹۱	-	۵۳۲	۱۰۵۷۱۸	-
۱۳۹۲	-	۶۵۹	۱۳۷۰۱۰	-
۱۳۹۳	-	۶۶۹	۱۴۶۴۹۰	-

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود ظرف بیست سال، تعداد دانش‌آموزان این مدارس از ۹۶۸۲ نفر به ۱۴۶۴۹۰ نفر رسیده است. یعنی حدود پانزده برابر شده است. توجه داشته باشیم که در سال ۱۳۷۰ بیش از چهارده‌ونیم میلیون دانش‌آموز داشته‌ایم و در سال ۱۳۹۳ کمتر از دوازده‌ونیم میلیون دانش‌آموز، یعنی در شرایطی که جمعیت دانش‌آموزی کاهش یافته، جمعیت دانش‌آموزی تیزهوش، ۱۵ برابر شده است.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شده، توزیع نرمال هوش و استعداد در جهان نشان می‌دهد که از هر صد نفر کودک، بین دو تا پنج درصد آنها تیزهوش هستند. اگر محاسبه خود را بر پایه این مفروض علمای علوم تربیتی قرار دهیم در خواهیم یافت که در سال ۱۳۷۰، با توجه به جمعیت دانش‌آموزی کشور، انتظار می‌رفت بین ۲۹۰-۷۲۵ هزار دانش‌آموز مستعد (با دامنه ۲ تا ۵ درصد) داشته باشیم که این تعداد در سال ۱۳۹۳ حدود ۲۵۰ - ۶۲۵ هزار نفر را شامل می‌شود. با همین ارقام تخمینی می‌توان دریافت که هم در سال ۱۳۷۰ و هم در سال ۱۳۹۳، تعداد مدارس و ظرفیت پذیرش



دانش‌آموزان تیزهوش، بسیار کمتر از واجدین شرایط بوده است. در سال ۱۳۹۳، حداکثر ۵۰ درصد (با احتساب دو درصد ظرفیت بالقوه) و حداقل ۲۳ درصد (با احتساب پنج درصد ظرفیت بالقوه) تیزهوشان موفق شده‌اند از امکانات و فضای مدارس تیزهوشان بهره‌مند شوند و بقیه، محروم مانده‌اند. به عبارت دیگر جداسازی در دو لایه صورت پذیرفته است. نظام آموزشی یکبار دانش‌آموزان عادی و تیزهوش را از هم جدا کرده و در مرحله بعد در درون گروه دانش‌آموزان تیزهوش نیز تبعیض اعمال شده و همگان از فرصت برابر برای ورود به مدارس استعدادهای درخشان بهره‌مند نبوده‌اند. چه بسا به موازات افزایش مدارس تیزهوشان، تعداد بیشتری از افراد امکان ثبت‌نام در این مدارس را پیدا کنند که در حال حاضر از چنین امکانی برخوردار نیستند.

با این استدلال می‌توان نتیجه گرفت واجدین شرایط برای ثبت‌نام در این مدارس، بسیار بیشتر از تعداد و ظرفیت مدارس موجود است. بنابراین حتی اگر فرض کنیم که باید فرصت‌های ویژه در اختیار تیزهوشان قرار داده شود اما این فرصت‌ها باز هم به تساوی در اختیار همه تیزهوشان قرار داده نمی‌شود. در واقع تبعیض در سطح عمیق‌تری ادامه می‌یابد.

نتیجه این است که نظام آموزشی، نه تنها میان تیزهوشان و افراد معمولی فاصله گذاشته و تبعیض در فضا و امکانات آموزشی را برای آنها ایجاد کرده است، بلکه در سطحی دیگر، میان خود تیزهوشان نیز تبعیض قائل شده و فرصت‌های برابر برای ورود به مدارس استعدادهای درخشان برای همه واجدین شرایط فراهم نیست. در اینجا، نابرابری آموزشی در دو سطح اعمال شده است. بسیاری از متخصصان حوزه آموزش معتقدند که اصل و اساس تفکیک و تمایز میان دانش‌آموزان در سطح آموزش عمومی، یک امر ناعادلانه است. چه برسد به اینکه میان خود تیزهوشان نیز تبعیض ایجاد شده باشد.

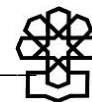
نکته دوم - مطالعاتی که در ایران درباره توانمندی‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان انجام شده است نشان می‌دهد که برای نمونه در حوزه نحوه گذران اوقات فراغت، دو گروه دانش‌آموزان عادی و تیزهوش - تفاوت برجسته‌ای ندارند. گذران اوقات فراغت از جنبه در کنار خانواده بودن - انجام فعالیت‌های ورزشی - سرگرمی با کامپیوتر - ارتباط با دوستان و گروه همسالان - استفاده از محصولات فرهنگی - انجام فعالیت‌های مذهبی در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس عادی و استعداد درخشان، تفاوت‌های جزئی نشان می‌دهد. اگر چه در مورد «در کنار خانواده بودن» و «استفاده از محصولات فرهنگی» تفاوت‌های جزئی به نفع پسران تیزهوش وجود داشته است. اما در سایر موارد، دانش‌آموزان مدارس عادی جلوتر بوده‌اند. مطالعات نشان داده که دانش‌آموزان پسر مدارس عادی از نظر میزان انجام فعالیت‌های مذهبی در ساعات اوقات فراغت در مقایسه با دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان، بهتر عمل می‌کنند. این در شرایطی است که بدانیم کارکرد اوقات فراغت در کاهش مشکلات و پیشگیری و آماده‌سازی برای زندگی و مشارکت اجتماعی نوجوانان مهم است. نحوه گذران اوقات فراغت در پشتیبانی رشد و ارتقای کیفیت زندگی نوجوانان و جوانان نقش تعیین‌کننده

دارد. در حالی که مدارس تیزهوشان در ایران، به دانش‌آموزان در این‌باره کمک چندانی نکرده است. از این‌رو وجود مدارس جداگانه برای دانش‌آموزان خیلی باهوش، نتایج مطلوبی در اجتماع‌پذیری آنان ندارد.

نکته سوم - مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در این‌گونه مدارس، به‌خاطر توانایی‌هایی است که این دانش‌آموزان دارند و مدرسه و برنامه‌های آموزشی و کیفیت آموزش تأثیر چندانی در پیشرفت تحصیلی این نوع دانش‌آموزان ندارند. مطالعات کلمن نشان داده که کیفیت مدارس از نظر تجهیزاتی چون آزمایشگاه‌های علمی مجهز و کتابخانه و غیره که هزینه دارند، تأثیر چندانی بر پیشرفت تحصیلی محصلان ندارد و کیفیت معلمان نیز دارای اهمیت زیادی نیست. همچنین در مطالعاتی که درباره جداسازی دانش‌آموزان تیزهوش از سایرین شده است، نتایج نشان می‌دهد که جداسازی فضایی کودکان با استعداد و تیزهوش از حیث میزان پیشرفت تحصیلی، پیامدهای نامطلوب برای هر دو سوی فراگیران دارد. از یکسو توانایی‌های تعامل اجتماعی و نیز ایجاد ارتباط اجتماعی را در دانش‌آموزان تیزهوش رشد نمی‌دهد، آنان را در معرض فشارهای هنجاری قرار می‌دهد و انتظارات زیادی که جامعه و خانواده از آنان دارد، بسیاری از مواقع موجب ناخرسندی و سرخوردگی و یأس و افسردگی این نوع دانش‌آموزان شده است. با جداسازی افراد کم‌هوش و باهوش، نوعی سرخوردگی و ناامیدی در سر دیگر طیف که دانش‌آموزان عادی قرار دارند نیز دامن زده می‌شود و انگیزه پیشرفت در آنان را تضعیف می‌کند. مطالعات موردی نشان می‌دهد که جداسازی مدارس بر پایه متغیر هوش، تأثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی گروه اول (افراد معمولی) دارد.

نکته چهارم - گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره جایگاه استعداد‌های درخشان در ایران، نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از فارغ‌التحصیلان این مدارس، جذب دانشگاه‌های سایر کشورها - بیشتر اروپا و آمریکا - شده‌اند. آمارهای دریافت شده از باشگاه دانش‌پژوهان جوان در سال ۱۳۸۲ حکایت از آن دارد که از حدود ۲۹۰ نفر از اعضای تیم‌های اعزامی به مسابقات جهانی (که تقریباً همه از مدارس تیزهوشان بوده است)، تعداد ۱۱۴ نفر در همان سال و پیش از ورود به دانشگاه در داخل کشور، تصمیم به خروج از کشور گرفته و در دانشگاه‌های معتبر دنیا پذیرش شده‌اند. تعداد بسیار دیگری نیز پس از پایان مقطع کارشناسی از کشور خارج شده و برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته عزیمت کرده‌اند.

بنابراین بخش مهمی از پروژه فرار مغزها، یا مهاجرت تحصیل‌کردگان از ایران، به دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان اختصاص دارد. در این‌صورت کشور مبدأ از دو جنبه زیان‌دیده است. از یکسو سرمایه‌گذاری و پرورش استعدادها با مدارس و برنامه‌های ویژه برای نظام آموزش و پرورش ایران، هزینه‌بر است. از سوی دیگر علیرغم چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، نتیجه و محصول این مدارس در کشور نمی‌ماند و گویی دست‌چین شده و به کشورهای توسعه‌یافته تقدیم می‌شوند.



به همین دلایل است که اساساً وجود یا توسعه مدارس ویژه برای استعداد‌های درخشان، خاصه در کشورهای توسعه‌یافته با نظام‌های آموزشی پیشرو، مخالفان سرسختی دارد. با توجه به وجود آثار و نتایج نه چندان فایده‌مندی که مدارس تیزهوشان در ایران دارند، بسیاری از محققان در پایان مطالعاتی که درباره جایگاه استعداد‌های درخشان در ایران صورت داده‌اند پیشنهاد کرده‌اند که نظام آموزش و پرورش ایران در روش‌های فعلی خود تجدیدنظر کند. تا این قسمت از گزارش، به تحلیل پیامدهای اجتماعی و آموزشی وجود دو نوع از مدارس از منظر تحقیقات و مطالعات انجام شده، مبادرت ورزیدیم. درباره دو لایه از مدارس به تفصیل بحث شد. تفکیک و تمایز براساس منابع مالی و تفکیک و تمایز براساس ویژگی‌های فراگیران (سنی - توانایی هوشی - توانایی جسمی)، بدیهی است تحلیل پیامدهای جداسازی مدارس بر پایه سایر متغیرهای پیش‌گفته از ظرفیت این گزارش خارج بوده و در گزارش‌های جداگانه‌های به آنها خواهیم پرداخت. در ادامه بی‌مناسبت نیست که آثار و پیامدهای جداسازی مدارس را از زاویه نگاه مدیران و سیاستگذاران این حوزه نیز مرور کنیم.

دیدگاه‌های مدیریتی درباره جداسازی مدارس در ایران

به‌منظور اخذ دیدگاه‌های صاحب‌نظران، در مرکز پژوهش‌های مجلس، نشست‌های کارشناسی در باب بررسی جایگاه مدارس گوناگون در نظام آموزش و پرورش ایران، برگزار شد. این نشست‌ها با حضور کارشناسان دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط و مجری در امور مدارس مختلف، صاحب‌نظران دانشگاهی و مدیران و فعالان حوزه آموزش برگزار شده و کارشناسانی از شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان استعداد‌های درخشان، ... در آن حضور داشتند. نکات محوری در مباحث ارائه شده را می‌توان در دو بخش زیر تقسیم‌بندی کرد.

پرسش محوری این نشست‌ها چنین بود: نظر شما درباره وجود مدارس گوناگون در آموزش و پرورش ایران چیست، چه پیامدهایی دارند و مناسب‌ترین سیاست برای ادامه فعالیت آنها کدام است؟ نظرات مطرح شده در این نشست‌ها را می‌توان در دو محور طبقه‌بندی و خلاصه کرد که در ذیل منعکس می‌شود.

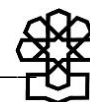
۱. دیدگاه موافقان جداسازی مدارس

- چون در جامعه تنوع استعداد، رغبت و نیاز در میان دانش‌آموزان وجود دارد پس باید تنوع مدارس هم باشد.

- مدارس شاهد و ایثارگر دارای خاستگاه ارزشی و مخاطب‌محور می‌باشند و ما بر آنیم که این نوع مدارس باید وجود داشته باشند، اما نوع مدیریت آنها باید تغییر یابد.
- تنوع در برخی از مدارس با توجه به نوع مخاطب آنها همچون مدارس استثنایی پذیرفتنی است.
- تنوع ناشی از موقعیت و نه ناشی از ماهیت همچون مدارس عشایری پذیرفتنی است.

۲. دیدگاه مخالفان جداسازی مدارس

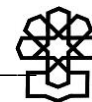
- برخی از مدارس همچون نمونه دولتی، تیزهوشان، ایثارگران، شاهد، ماندگارها، هیئت امنایی، مراکز آموزش از راه دور برای مردم دغدغه اجتماعی ایجاد کرده است.
- اگر نوعی برنامه درسی همچون قرآن، علوم و معارف اسلامی و ورزش برای دانش‌آموزان لازم است، بنابراین باید برای همه دانش‌آموزان ارائه شود و نه فقط برای یک گروه خاصی از دانش‌آموزان.
- برخی از مدارس همچون شاهد و ایثارگر فلسفه وجودی آنها از بین رفته و یا کمرنگ شده، بنابراین باید در ادامه فعالیت این مدارس تجدیدنظر شود.
- دانش‌آموزان شاهد، ایثارگر و تیزهوشان باید در مدارس عادی و کنار مردم قرار بگیرند و در همان مدارس حمایت‌های ویژه خود را دریافت کنند و نباید آنها را از دیگران جدا کرد.
- تنوع در مدارس باعث ایجاد تنفر اجتماعی شده است.
- مدارس دولتی به‌علت وجود دیگر مدارس از کیفیت تهی شده‌اند. همچنین معلمان با کیفیت و منابع مالی از مدارس دولتی خارج شده‌اند.
- در کشور ما مدرسه‌داران بزرگی که دارای ایده تربیتی خاص باشند، به‌ندرت وجود دارند بلکه عموماً این تاجران بزرگ مدرسه هستند که در این عرصه فعالیت دارند.
- در وزارت آموزش و پرورش بعضاً دیده می‌شود به روش‌های مختلف از مردم پول گرفته می‌شود و نام آن را تنوع مدارس گذاشته‌اند.
- با انتقال امکانات به مدارس خاص، کیفیت را از مدارس دولتی دور کرده‌ایم و انگیزه‌ها به‌سوی مدارس خاص و غیردولتی سوق داده شده‌اند.
- تنوع باعث ایجاد نخبه‌پروری شده و می‌تواند به عدالت اجتماعی ضربه بزند.



جدول ۶. نقاط قوت و ضعف مدارس گوناگون در نظام اجتماعی ایران

نقاط قوت	نقاط ضعف	نوع مدرسه
فراهم کردن امکانات تحصیل ضروری برای همه - تحقق اهداف مصوب وزارت آموزش و پرورش - شرایط تحصیل برای همه طبقات - تقویت وحدت ملی - افزایش همگرایی - تکیه بر عناصر مشترک اجتماعی و فرهنگی	کمبود امکانات و ایجاد مدارس شلوغ و پرتراکم - نبود فرصت رقابت برای دانش‌آموزان سطوح مختلف	عادی دولتی
فراهم کردن فرصت برابر تحصیلی و افزایش درصد پوشش تحصیلی - پیشگیری از مهاجرت به مراکز شهری	دوری از خانواده و مشکلات روحی و روانی و بی‌انگیزگی کمبود اعتبارات مالی - شیوع بیماری‌های فصلی و واگیر - کمبود امکانات	شبانه‌روزی
جذب منابع مالی از مردم - مشارکت مردم در وزارت آموزش و پرورش و تأمین منابع مالی جدید - اجرای سیاست مدرسه‌محوری	عدم شفافیت به‌لحاظ عملکرد - دشواری مشارکت مالی اولیا - شکست برنامه‌های مشارکتی به‌خاطر تشتت در اهداف مدیر و معلم و اولیا	هیئت امنایی
گسترش عدالت آموزشی و برابری فرصت‌ها - متناسب بودن برنامه با زندگی عشایری - تقویت هویت خرده‌فرهنگ‌ها	تأثیر شرایط آب و هوایی و کوچ روی - عدم مشارکت والدین - پراکندگی مدارس و مشکلات نظارت - وجود کلاس‌های چند پایه - ضعف امکانات رفاهی معلمان	عشایری
ایجاد شرایط برای بروز استعدادها دانش‌آموزان مستعد - اولویت مناطق محروم کشور در تأسیس مدارس نمونه دولتی - تجهیز این‌گونه مدارس به امکانات آموزشی ویژه - تأکید بر فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانش‌آموزان	افزایش حجم برنامه‌ها - نتیجه‌محوری و تأکید بر کنکور - تراکم بالای دانش‌آموزان - پذیرش دانش‌آموزان عادی - بالا بردن انتظارات از دانش‌آموزان - ایجاد اضطراب و نگرانی برای شرکت در آزمون‌ها - ضعف برنامه‌های پرورشی و تأکید بر کنکور	نمونه دولتی
فراهم کردن شرایط برای فرزندان شهدا و ایثارگران - به‌کارگیری نیروی انسانی مجرب - بنیان‌های مالی قوی - فضای کافی - اختیار	جذب دانش‌آموزان غیر از شاهد اخذ شهریه‌های کلان از آنها - ثبت‌نام‌های سفارشی	شاهد
فراهم کردن شرایط برای ایثارگران - ارائه دروس به صورت نیمه‌حضور و غیرحضور - عدم نتیجه‌محوری و تأکید بر کنکور - وجود مصوبه برای حمایت مالی بنیاد شهید	کمبود مشاوران متخصص برای کار با دانش‌آموزان - عدم تأمین نیروی انسانی مجرب - عدم توجه به مسائل و مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان - عدم اجرای مصوبه حمایت مالی از سوی بنیاد شهید	ایثارگران
تأمین نیروی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی - تقویت استعدادهای خاص سازمان‌ها - کمک مالی سازمان‌ها - کاهش هزینه‌های آموزشی سازمان‌ها در تأمین نیروی انسانی - استفاده از ظرفیت دستگاه‌های دولتی در توسعه آموزش	ایجاد انحصار در جذب نیرو برای سازمان‌ها - کاهش روحیه همدلی با عموم جامعه - محدودیت ظرفیت پذیرش - عدم حمایت مالی سازمان‌ها	مراکز آموزشی وابسته به دستگاه‌ها
فراهم شدن فرصت آموزش برای بازماندگان از تحصیل - انعطاف روش‌ها و برنامه‌های آموزشی - پوشش افراد بازمانده از تحصیل	ضعف تعامل میان معلم و فراگیر - ضعف زیرساخت‌های تکنولوژیکی آموزشی - عدم نظارت کافی بر این مراکز - ضعف بنیه آموزشی	آموزش از راه دور

نقاط قوت	نقاط ضعف	نوع مدرسه
ترویج فرهنگ قرآنی - تخصصی بودن دبیران آموزش قرآن	ضعف امکانات آموزش قرآن - سوءاستفاده از تابلوی مدارس قرآنی برای جذب منابع مالی - اجرای شتابزده ایجاد مدارس قرآنی بدون آماده شدن شرایط	مدارس قرآنی
امکان انتخاب برای خانواده‌ها - کمک به کاهش هزینه‌های دولتی - جذب سرمایه‌های بخش خصوصی در امر آموزش	توزیع نابرابر امکانات آموزشی و فرصت‌های آموزشی - یکسان بودن برنامه‌های آموزشی با سایر مدارس و بهره‌وری پایین این مدارس - فضاهای محدود و ساختمان‌های نامناسب - ارائه مشوق‌های کاذب به دانش‌آموزان به علت پاسخگویی به اولیا - نتیجه‌محوری و نادیده گرفتن اهداف پرورشی	مدارس غیردولتی
کاربرد فناوری‌های جدید تکنولوژی آموزشی - کاهش معلم‌محوری در امر آموزش و مشارکت فراگیران در فرآیند آموزش - برقراری ارتباط مستمر میان مدرسه و دانش‌آموزان	نبود معلمان مسلط به حوزه فناوری - ضعف مهارت‌های رایانه‌های دانش‌آموزان - ضعف نظارت و شفاف نبودن قوانین در این حوزه - فقدان محتوای درسی مناسب - عدم ارتباط سیستمی با آزمون کنکور - أخذ وجوه مختلف به بهانه هوشمندسازی از اولیا - اجرای شتابزده این برنامه و تبلیغاتی بودن آن	هوشمند
ارائه خدمات آموزشی متناسب با توانایی تیزهوشان	ایجاد فرصت‌های نابرابر بر پایه میزان هوش و استعداد - منزوی شدن و احساس غرور و خودبینی در دانش‌آموزان تیزهوش - توزیع نامتوازن مدارس سمپاد در کشور - اشکال در آزمون‌های ورودی - توزیع نامتوازن در رشته‌های تحصیلی به‌طوری که رشته علوم انسانی ندارد - آزمون‌ها سنجش دقیق و واقع‌گرایانه ندارند - عدم تفاوت در محتوای کتب درسی - کمبود نیروی انسانی توانمند - کمبود منابع مالی - فشار برنامه‌های کلاسی و درسی و ایجاد افسردگی در فراگیران - عدم تناسب خروجی‌های این مدارس با نظام آموزش عالی	تیزهوشان



جمع‌بندی

رعایت عدالت آموزشی از پیش‌شرط‌های لازم و ضروری در تحقق عدالت اجتماعی است. از این رو ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر برای همه شهروندان از جمله اهداف یک حکمرانی خوب محسوب می‌شود. عموم محققان و پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش بر این عقیده‌اند که نظام آموزش و پرورش رسمی یک کشور باید بتواند نابرابری‌های بیرون از نهاد مدرسه را در درون مدرسه به حداقل رسانده و تعدیل کند. این امر فواید بسیاری برای نظام اجتماعی دارد. از جمله آنکه انسجام اجتماعی را تقویت کرده و نارضایتی‌های ناشی از نابرابری‌های ناروا (تبعیض) در جامعه را به سود ثبات و وحدت در جامعه، کاهش می‌دهد.

گزاره‌های مهم گزارش حاضر درباره وضعیت مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران را می‌توان در عبارات زیر خلاصه کرد:

اول - در نظام آموزش و پرورش ایران در حال حاضر، بیست و دو (غیر از مدرسه نمونه مردمی) گونه مدرسه فعالیت می‌کنند. این گونه‌ها در دوران پس از انقلاب در ایران شکل گرفته‌اند. اگرچه برخی از آنها همچون مدارس شهریه‌ای، تیزهوشان، استثنایی و بزرگسالان سابقه طولانی‌تری دارند. برخی نیز دیگر فعال نیستند و به اشکال دیگری تغییر ماهیت داده‌اند. برای آنکه بدانیم کدام مدارس را جزء گونه مستقل می‌توان به حساب آورد، اسناد قانونی پشتیبان شکل‌گیری مدارس را مبنا قرار داده‌ایم. این اسناد عبارتند از: قانون، اساسنامه، آیین‌نامه، مجوز و شیوه‌نامه.

دوم - این مدارس بر پایه مراجع و نهادهای قانونی و نهادی در نظام سیاسی ایران، شکل و بُعد گرفته‌اند. هفت مرجع در شکل‌گیری این مدارس دخالت داشته‌اند. در این راستا از مجلس شورای اسلامی تا شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌توان نام برد. وزیر آموزش و پرورش شخصاً در مورد شکل‌گیری مدارس قرآنی تصمیم‌گیری نموده و آن را به اجرا در آورده است. اگرچه بعدها مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش را نیز اخذ نموده است. بر این اساس نخستین مسئله، در باب تعدد و تشتت مراجع تصمیم‌گیر در تکوین مدارس گوناگون نمایانگر است.

سوم - در تکوین و تأسیس مدارس گوناگون هفت متغیر را می‌توان از هم متمایز ساخت. این متغیرها را در دو دسته عوامل اکتسابی و انتسابی می‌شود طبقه‌بندی کرد. جداسازی مدارس براساس منبع تأمین مالی - شیوه مدیریت - یا گروه‌های اجتماعی را می‌توان تفکیک براساس ویژگی‌های اکتسابی دانست و در مقابل، جداسازی کودکان بر پایه ویژگی‌های فردی (اعم از ذهنی و هوشی و جسمی و سنی) را می‌توان تمایزهایی بر پایه ویژگی‌های انتسابی در نظر گرفت.

چهارم - هرکدام از مبانی فوق در جداسازی دانش‌آموزان، دارای پیامدهای اجتماعی و تربیتی فراگیری است که قطعاً علاوه بر فراگیران، خانواده‌ها و نهایتاً کلیت جامعه را متأثر می‌سازد. ایجاد

مدارس جداگانه بر پایه پایگاه طبقاتی و درآمدی دانش‌آموزان به طبقاتی شدن آموزش دامن زده و آموزش را همچون کالایی وارد مبادلات اجتماعی و فرهنگی می‌سازد. در این صورت به فراگیران به‌عنوان مشتریان یک بنگاه اقتصادی نگریسته می‌شود که هرچه پول بیشتر دهند، خدمات آموزشی بهتری دریافت خواهند کرد. کیفیت مدارس غیرانتفاعی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثر مثبت گذاشته و نهایتاً دسترسی به آموزش عالی را برای این افراد، امکان‌پذیرتر می‌سازد. به این ترتیب شکاف طبقاتی که از بیرون از نهاد مدرسه وارد مدرسه شده، تعمیق شده و تبعیض، نهادی می‌شود.

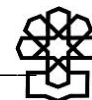
پنجم - جداسازی مدارس براساس ویژگی‌های انتسابی، اقسامی دارد که برخی از انواع آن پذیرفته و روا تلقی می‌شود و برخی دیگر ناروا و ناعادلانه درک می‌شود. تفکیک و تمایز دانش‌آموزان برپایه ویژگی‌های سنی (مدارس بزرگسال) امری پذیرفته است. همچنین جداسازی دانش‌آموزان به‌لحاظ وجود ضعف‌های جسمی و حرکتی با پذیرش فرهنگ عمومی مواجه است. اما جداسازی دانش‌آموزان به‌لحاظ میزان هوش و استعداد و ایجاد مدرسی برای تیزهوشان، امری است که ازسوی محققان و عالمان عرصه تعلیم و تربیت، چندان قابل دفاع نیست. ایجاد مدارس تیزهوشان، هم به‌لحاظ پیامدهای تربیتی که برای این نوع دانش‌آموزان دارد و هم به‌لحاظ آثار و پیامدهای نامطلوبی که بر دانش‌آموزان مدارس عادی دارد، و هم آثار و پیامدهای نامطلوبی که در نظام اجتماعی برجا می‌گذارد، مورد نقد و اعتراض قرار گرفته است.

پیشنهاد

- شورای عالی آموزش و پرورش می‌بایست تهیه گزارشی واقع‌گرایانه از ارزیابی عملکرد مدارس گوناگون را دستور کار خود قرار داده و بر پایه اطلاعات و آمارهای شفاف و براساس مطالعات انجام یافته، تصویری دقیق و عینی از وضعیت فعلی مدارس گوناگون را تنظیم نماید تا بتواند درباره وجود انواع مدارس تصمیم‌گیری کند.

- مجلس یا شورای عالی آموزش و پرورش، تعدد و چندگونگی مراکز تصمیم‌گیری در باب تأسیس و تکوین مدارس گوناگون را مدیریت نموده و یکی از این دو نهاد، مسئولیت تام و تمام تکوین این مدارس را به‌عهده گیرد. صدور مصوبه یا قانونی که مداخله سایر نهادها و اشخاص حقیقی یا حقوقی را در تشکیل مدارس گوناگون ممنوع اعلام کند، ضرورت دارد.

- تحولات اجتماعی و تغییر ساختار و ترکیب جمعیت موجب شده است که برخی از مدارس که در دو دهه پیش شکل گرفته‌اند، کارکرد و فایده‌مندی خود را از دست بدهند. بنابراین شورای عالی آموزش و پرورش باید تصمیم قاطعی درباره ادامه فعالیت این نوع مدارس اتخاذ کند.



منابع و مأخذ

۱. نوغانی، محسن. قشربندی اجتماعی در مدارس دولتی و غیرانتفاعی و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۵.
۲. جوادی، محمدجعفر. نابرابری‌های آموزشی و ابعاد جامعه‌شناختی آن، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۳، ۱۳۷۳.
۳. حبیبی، شراره و لطفی محمد. مقایسه سبک‌های مدیریت مدارس دولتی با مدارس غیردولتی، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸.
۴. حاضری، علی محمد. فرآیند خودی شدن نهاد آموزش و پرورش، فصلنامه پژوهش، سال اول، شماره ۲ و ۳، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۵. حاضری، علی محمد. مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، اسفند ۱۳۷۳.
۶. لشگری، محمد. بازده آموزش: مقایسه بین بخش خصوصی و بخش دولتی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۷. بررسی مراکز یادگیری دانش‌آموزان استثنایی در سطح جهانی و ارائه طرحی جامعه جهت راه‌اندازی این مراکز در سطح سازمان آموزش و پرورش استثنایی ایران، پایان‌نامه دکتری رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
۸. پورعاصی اردکانی، اکرم. بررسی سیر تحولات و چالش‌های موجود در آموزش و پرورش دانش‌آموزان تیزهوش در ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۹.
۹. طاهری، انسیه. بررسی تطبیقی سیر تحولات آموزش و پرورش استثنایی در کشورهای آلمان، سوئد، ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۱.
۱۰. ایمانی، محمدنقی. شناسایی ویژگی‌های مدارس توانمند و میزان انطباق مدارس متوسط شهر تهران با این ویژگی‌ها، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۱.
۱۱. کیان، مریم. مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مدارس عادی و استعداد درخشان شهر یزد، فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۱۲. نوغانی، محسن و محمدرضا آهنچیان. تأثیر سرمایه‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بر موفقیت در آزمون سراسری ورود به دانشگاه، فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۱۳. زارع، بیژن و فرزانه شفیعی. بررسی نقش سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی خانواده و نوع مدرسه در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی منطقه ۱۴ تهران، فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۱۴. حسام، فرحناز. مروری بر جایگاه استعدادهای درخشان در آموزش و پرورش و آموزش عالی، دفتر مطالعات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۶۷۹، آبان‌ماه ۱۳۸۲.
۱۵. شرکایی اردکانی و حسین ریاحی‌نژاد. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (ویژه مدارس)، چاپ دوم، ۱۳۹۲.

۱۶. فراستخواه، مقصود. نحوه بررسی و شناسایی استعدادهای درخشان، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت علوم، ۱۳۷۷.
۱۷. سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش، مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۳-۱۳۹۴.
۱۸. میزگرد کارشناسی با حضور ۱۴ تن از اساتید و مدیران حوزه آموزش و پرورش، در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۷، مرکز پژوهش‌های مجلس، به همت گروه آموزش و پرورش دفتر اجتماعی.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۳۱۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: گونه‌شناسی مدارس در نظام آموزش و پرورش ایران (با تأکید بر تحلیل اجتماعی پیامدهای آن)

نام دفتر: مطالعات اجتماعی

تهیه و تدوین کنندگان: فرحناز حسام، موسی بیات

ناظران علمی: علی‌اخوان بهبهانی، ایروان مسعودی اصل

متقاضی: کمیسیون آموزش و تحقیقات

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. گونه‌شناسی مدارس

۲. تنوع مدارس

۳. نابرابری آموزشی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱